[آسان داک](http://www.asandoc.com/) (www.Asandoc.com)

2 پیش زمینه مالی: بررسی حسابداری، صورتحساب های مالی و مالیات

مروری بر فصل

سیستم های حسابداری و صورتحساب های مالی

ماهیت صورت حساب های مالی

سیستم حسابداری

صورتحساب درآمد

معرفی

ترازنامه

معرفی

دارایی

بدهی

محیط مالیات

اختیارات مالیاتی و اصول مالیات

مالیات درآمد – ارزش موثر کلی مالیات

نظام مالیات تصاعدی، نرخ نهایی و متوسط مالیات، سود و زیان سرمایه

آگاهی درباره حسابداری برای درک مالی مورد نیاز است. این بدین دلیل است که معاملات مالی در سیستم های حسابداری ثبت می شوند و عملکرد مالی در دوره های حسابداری تعیین می شود. به بیان دیگر، اگر ما می خواهیم با پول اقدام به کسب و کار کنیم، ما باید با سیستمی که آن را دنبال می کند سر و کار داشته باشیم و آن سیستم حسابداری است. برخی از آگاهی ها درباره مالیات نیز مورد نیاز است، زیرا توضیحات مالیات بر بیشتر تصمیمات مالی تاثیر می گذارند.

اگرچه حسابداری به طور کلی یک پیش نیاز است، دانشجویان مالی دارای سطوح مختلفی از آگاهی در این باره هستند. برخی ها نسبتا مطلع و کارشناس هستند، درحالیکه دیگران ممکن است حسابداری را مدتی قبل آموخته اند و چیز زیادی از آن به خاطر نمی آورند.

این فصل یک بررسی از چیزی که شما نیاز دارید تا درباره حسابداری و مالیات بدانید به شما ارائه می دهد. اگر در این باره مطلع نیستید، با دقت این فصل را بخوانید و ایده هایی جدید غیر از متون قبلی حسابداری بیاموزید. اگر می خواهید به سرعت این مقاله را بخوانید، می توانید موضوعات را مرور کنید.

ما مقاله خود را تا جایی که ممکن است بدون رنج اجرا کرده ایم، به خاطر داشته باشید هنگامیکه افراد مالی نیاز دارند که چیزهایی درباره حسابداری بدانند لزوما نباید حسابدار باشند. در حقیقت، ما حتی مجبور نیستیم از حساب بدهی و اعتبار مالی استفاده کنیم.

سیستم های حسابداری و صورتحساب های مالی

در دنیای واقعی هر کاری که شرکت های تجاری انجام می دهند به عنوان یک سری از معاملات پولی در ساختار یک سیستم حسابداری ثبت می شود. ثبت و سیستم چهارچوبی را ارائه می دهند که مدیریت از آن برای کنترل کسب و کار استفاده می کند. سیستم های حسابداری چندین گزارش نسبتا استاندارد به نام صورت حساب های مالی ایجاد می کنند که عملکرد تجاری را نشان می دهد.

ماهیت صورتحساب های مالی

یک صورتحساب مالی تجاری ، نمایش ارقامی چیزی است که به طور فیزیکی انجام می شود. این مفهوم را در ذهن خود نگه دارید تا به سمت ادامه مقاله حرکت کنیم. ایده پشت صورتحساب ارائه یک تصویر از چیزی است که درون شرکت و بین شرکت و بقیه دنیا به صورت فیزیکی و مالی در حال رخ دادن است. این ایده بی نظیر یک مشکل ایجاد می کند، با این وجود باعث می شود که صورتحساب ها چیزی متضاد با منطق هستند. این همان چیزی است که می گویند لزوما یک فرد در حسابداری نباید آموزش دیده باشد. این یک مثال است.

صورتحساب های مالی نمایشهای ارقامی فعالیتهای شرکت در طول یک دوره حسابداری هستند.

آیا درآمد، درآمد است؟

بیشتر مردم فکر می کنند که درآمد پولی است که بعد از لیست حقوق به آنها پرداخت می شود و آنها به خانه می برند. به بیان دیگر، درآمد به معنی نقدینگی در جیب شماست تا به معنای پول پرداخت شده به جایی برای مالیات شما می باشد.

صورتحساب درآمد یکی از صورتحساب های سنتی مالی است. این با میزان دلاری که شرکت فروخته است، هزینه ، مخارج و مالیاتی که کسر کرده است شروع می شود و با یک رقم که در آمد خالص (یا درآمد بعد از مالیات اختصار EAT) نامیده می شود پایان می یابد. بیشتر افراد انتظار دارند که آن رقم نقدیندگی را در جیب مالک فقط مانند یک چک حقوق نمایش دهند. با این وجود، این فقط یک معنا نیست. مفاهیم حسابداری بسیاری در این راه قرار دارند و به درآمد خالص یک ویژگی مخصوص به خودش می دهند. ما دو تفاوت اصلی بین درآمد خالص و گردش وجوه را در حساب یک شرکت توضیح خواهیم داد.

حسابهای دریافتنی

بسیاری از شرکتها بیشتر محصولات خود را به صورت اعتباری می فروشند و یک وعده برای پرداخت دیرتر در مقایسه با پرداخت نقدی دریافت می کنند. علیرغم این حقیقت که هیچ پولی دریافت نمی شود، تئوری حسابداری می گوید که هنگامیکه یک فروش اعتباری رخ می دهد، شرکت همه کاری انجام داده است تا درآمد را دریافت کند و بنابراین درآمد باید در صورتحساب های مالی شناخته شود.

در حقیقت، شرکت نقدینگی کمتری دارد، حتی اگر هرگز فروش انجام نمی داد. اگرچه این پول از مشتری دریافت نشده است، اما برای تامین محصول به مواد اولیه و نیروی کاری نیاز است که باید پرداخت شوند.

پرداخت های وصول نشده برای محصولاتی که فروخته شده اند حسابهای دریافتنی نامیده می شوند و یک تفاوت بزرگ را بین نقدینگی و در آمد حسابداری نشان می دهند.

افت بها تقسیم هزینه یک دارایی برسالهایی است که از آن دارایی استفاده شده است.

افت بها

یکی دیگر از ایده ها که عجیب به نظر می رسد روشی است که دارایی های با عمر طولانی از نظر مالی کنترل می شوند. یک شرکت را در نظر بگیرید که یک دستگاه خریداری می کند تا در کار از آن استفاده کند و در هنگام خرید 10.000 دلار به صورت نقدی پرداخت می کند. پیش بینی می کنیم که این دستگاه پنج سال کار می کند. چه میزان از هزینه ماشین به عنوان هزینه انجام کار محقق شده است؟

کسانی که با حسابداری آشنایی ندارند ممکن است فکر کنند هه هزینه در طول خروجی پول که برای ماشین پرداخت می شود که 10.000 دلار در زمان خرید است محقق می شود. با این وجود، یک تئوری حسابداری می گوید که برای نشان دادن فعالیت کاری، ما باید هزینه ماشین را با دوره ای که برای ما کار می کند را منطبق کنیم. بنابراین، ما 10.000 دلار را در طول پنج سال طول دارایی تقسیم می کنیم.

این با یک شیوه مالی به نام افت بها انجام می شود. اگر تقسیم بندی بیش از طول عمر دارایی باشد، افت بها 2.000 دلار به هزینه در صورتحساب مالی در هر پنج سال عمر دارایی اختصاص می دهد (افت بهای تقسیم شده خط مستقیم نامیده می شود)

آن قرارداد شرایط عجبیی در نقدیندگی یک شرکت ایجاد می کند. در سال اول، شرکت 10.000 دلار خرج کرده است اما فقط 2.000 دلار به عنان هزینه انجام کار اظهار کرده است. به بیان دیگر، نقدیندگی بیشتری نسبت به آنجه صورتحساب درآمد نشان می دهد ، مصرف شده است. در چهار سال بعد، هیچ چیزی خرج نشده است اما هنوز فقط 2.000 دلار هزینه اظهار می شود. بنابراین، در آن سالها صورتحساب درآمد مخارج بیشتری نسبت به آنچه در واقعیت داشته است را نشان می دهد.

واضح است این تمرینات نشان می دهد که درآمد حسابداری از نظر مفهومی از درآمد چک حقوق و صورت حساب های مال که با بیش از جریان پول در و خارج از کسب و کار درگیر می شود متفاوت است. آنها به ما چیزهایی می گویند اما درباره چیزهایی که در روشهای دیگر نیز انجام می شود چیزهایی می گویند.

سه صورتحساب مالی

سه صورت حساب مالی که مد نظر ما هستند شامل صورتحساب درآمد، ترازنامه و صورتحساب جریان نقدی می باشند. نوع چهارمی نیز وجود دارد که به تغییرات در سرمایه مالک بستگی دارد، اما ما در اینجا به این بحث نمی پردازیم. صورتحساب درآمد و ترازنامه صورتحساب های پایه هستند که از دفتر کل استخراج شده اند. صورتحساب جریان نقدی از آنها ایجاد شده است.

ما صورت حساب درآمد و ترازنامه را در این فصل بررسی خواهیم کرد و صورتحساب جریان نقدی را در فصل 3 مورد بحث قرار خواهیم داد. اول، یک پیش زمینه کوتاه درباره حسابداری بیان می کنیم.

دفاتر مالی شرکت مجموعه ای سوابق هستند که در آن معاملات پولی ثبت شده اند.

سیستم حسابداری

یک سیستم حسابداری یک مجموعه منظم از قوانینی است که هر معامله که شرکت انجام می دهد را در مجموعه ای ثبت می کند. سوابق در مجموع به عنوان ثبت شرکت شناخته می شوند. ثبت ها در دفتر کل که مانند کتاب است نگه داری می شوند. امروزه، این سوابق در کامپیوتر نگه داری می شوند.

ثبت ها به دو سری حساب مجزا می شوند. یک حساب به طور کلی سوابق معاملات نوع خاص یا آنهایی که به نوع خاصی از کار وابسته هستند را نگهداری میکند. به طور مثال، یک حساب درآمد تمامی معاملاتی را دریافت می کند که شامل فروش محصول به مشتری می شوند، در حالیکه حساب دارایی ثابت سوابقی را دریافت می کند که مربوط به استفاده و انهدام ماشین سنگین است.

معاملات شامل فعالیتهای مانند فروش محصول، خرید ماشین و تجهیزات، پرداخت حقوقف ساخت محصول، وام گرفتن، پرداخت مالیات و پرداخت های شخصی می باشند. یک معامله تجاری با یک ورودی در دفاتر ثبت می شوند. یک ورودی به طور کلی بدین معنی است که ما یک یک رقم دلار اضافه می کنیم یا یک تعاادل در حساب ایجاد می کنیم.

در حسابداری دفتر داری دوبل ، هر ورودی دارای دو قسمتاست که باید تراز شود.

سیستم های دفتر داری دوبل

بیشتر سیستم های حسابداری از سیستم های دفترداری دوبل برای نگهداری سوابق استفاده می کنند. سیستم دفتر داری دوبل بدین معناست که هر ورودی دارای دو قسمت مساوی است که طرف نامیده می شوند. هر طرف یک رودی برای حساب متفاوتی ساخته شده است.

مفهوم سیستم دفتر داری دوبل در وهله اول سخت است. شما می توانید با فکر نوع خاصی از ورودی که در آنها دو قسمت نشان می دهند که چه زمانی ما پول را گرفته ایم و با آن چه کار کرده ایم استفاده کنیم. به طور مثال، فرض کنید ما یک ماشین به صور اعتباری 1.000 دلاری خریداری کرده ایم. این لزوما به این معنی است که ما ماشین را خرریده ایم و یک وام برای خرید در آن زمان دارمی. یک طرف ورودی که این معامله را ثبت می کند شامل اضافه کردن 1.000 دلار به حساب دارایی ثابت می شود که نشان دهد آن شرکت در حال حاضر یک ماشین دارد. سمت دیگر شامل اضافه کردن 1.000 دلار به حساب پرداختنی است که نشان دهد یک اجبار برای پرداخت پول وجود دارد. سمت دارایی معامله نشان می دهد که ما با پول چه کار کرده ایم و سمت پرداختنی نشان می دهد که چه جایی ما آن را گرفته ایم.

هر دو سمت یک ورودی بستانکار و بدهکار نامیده می شود. در هر ورودی، کل بدهکاری باید با کل بستانکاری برابر باشد (این فقط زمانی است که ما بدهکاری و بستانکاری را در نظر می گیریم)

مثال دیگری مانند ثبت یک فروش را در نظر بگیرید. فرض کنیم ما یک جنس را به مشتری 200 دلار فروخته ایم. یک سمت ورودی 200 دلار به حساب فروش اضافه می کند ، اما سمت دیگر ورودی چه خواهد بود؟

جواب بستگی به شرایط فروش دارد. اگر مشتری نقدی پرداخت کند، سمت دیگر به راحتی 200 دلار به حساب نقدینگی اضافه می کند تا نشان دهد که این شرکت در حال حاضر دارای پول اضافی است. با این حال، اگر مشتری به صورت اعتباری خریداری کرده باشد، 200 دلار به حساب دریافتنی اضافه می شود تا نشان دهد که شرکت دارای پول است.

هر ورودی دارای دو سمت متعادل یا مساوی است. بنابراین، متداول است که بگوییم دفاتر به صورت متعادل نگهداری می شوند.

دفاتر با به روز کردن معاملات دوره ای در سیستم حسابداری بسته می شوند و صورتحساب مالی را ایجاد می کنند.

دوره های حسابداری و بستن دفاتر

در کسب و کار، زمان به دوره های حسابداری که معمولا ماهانه، سه ماه و سال هستند تقسیم می شود که در طول این دوره ها معاملات جمع آوری می شوند. در انتهای هر دوره، تمامی معاملاتی که در دوره رخ داده است جمهع بندی می شود و دفاتر شرکت تا آخرین روز آن دوره به روز آوری می شوند. این فرآیند دفاتر حساب ها نامیده می شود که معمولا بلافاصله بعد از آخرین روز آخرین دوره حسابداری انجام می شود.

روشهای اجرایی ویژه ای در دفاتر بسته شده به کار می رود تا صورت حساب های مالی را تولید کند . مهم است که درک کنیم صورت حاساب مالی با دوره های حسااری خاصی در ارتباط هستند. تراز نامه با زمان انتهای دوره وابسته است، در حالیکه صورت حساب درآمد و صورتحساب گردش نقدی به داخل دوره وابسته است.

استنباط

مهم است که در ذهن خود جای دهیم که صورتحساب مالی سال آخر چیزی درباره کاری که در آن سال در حال انجام شده است یا چیزی که سال آینده انجام خواهد شد به ما نشان نمی دهد و فقط به گذشته اشاره می کند.

با این وجود، صورتحساب می تواند به عنوان یک نمایش از چیزی که احتمالا در سال آینده اتفاق می افتد به کار رود. صورتحساب مالی گذشته کمی شبیه تاریخچه پزشکی یک فرد است. اگر شماسال گذشته بیمار بودید، احتمال داردد که سال آینده نیز بیمار شوید. بنابراین، یک فرد بیمار می تواند خوب باشد و یک فرد سالم می توان بیمار شود و یا حتی فوت کند. به همین نحو، یک شرکت که از نظر مالی بررسی شده است می تواند سال دیگر افت کند اگر اتفاق ناگواری در کسب و کارش رخ دهد و یا مدیریت خوبی نداشته باد.

موجودی و گردش

یک تفاوت عمده بین دو صورتحساب اصلی مالی وجود دارد. صورتحساب درآمد گردش پول را در طول زمان نشان می دهد. ترازنامه موجودی پول را در یک نقطه از زمان نشان می دهد.

صورتحساب درآمد میزان پولی که در و یا خارج از سازمان در گردش است را نشان می دهد. سرمایه در هزینه ها گردش دارد و مخارج خارج از هزینه ها گردش دارد. تفاوت سود آن است. تراز نامه یک صورتحساب در هر لحظه از زمان ایجاد می کند. ترازنامه بیان می کند که شرکت دارای لیست خاصی از دارایی است و دارای بدهی های خاصی است.

یک مجموعه از صورت حساب ها شامل یک صورتحساب درآمد می شود که یک دوره داخلی حسابداری را پوشش می دهد و تراز نامه می تواند به عنوان تصویر لحظه ای در انتهای آن دوره آورده شود. صورتحساب استخراج شده از گردش نقدی مانند صورتحساب درآمد گردش را در یک دوره داخلی نشان می دهد.

صورتحساب درآمد

یک صورتحساب درآمد نشان می دهد که چه مقدار پول توسط یک شرکت در طول یک دوره حسابداری که معمولا یک سال است بدست آورده شده است.

معرفی

بیشتر صورتحساب های درآمد دارای یک شکل مشابه هستند که در جدول 2.1 نشان داده شده است. اجازه دهید که هر خط را بررسی کنیم.

جدول 2.1: فرمت معمولی یک صورتحساب درآمد

|  |
| --- |
| فروش (درآمد) 1000 دلارهزینه محصولات فروخته شده 600میزان سود ناخالص 400 دلارمخارج 230درآمد قبل از سود و مالیات 170 دلارمخارج سود 20درآمد قبل از مالیات 150 دلارمالیات 50درآمد خالص 100 دلار |

فروش

فروش که درآمد نیز نامیده می شود دریافتی کلی از فروش چیزی که شرکت در کسب و کار خود می فروشد را نشان می دهد. به بیان دیگر، فروش دریافتی از عملیات طبیعی کسب و کار است.

این یک نکته مهم است. اگر شرکت پولی را از فعالیتهای خارج از شکل معمول کسب و کار دریافت کنید، آن پول یاید به عنوان درآمد دیگری نسبت به فروش ثبت شود. به طور مثال، یک خرده فرروش ممکن است کالایی را بفروشد که به سمت دیگری حرکت کند. آن فروش نباید در یک خط فروش مشابه گنجانده شود.

هزینه و مخارج

هزینه کالاهای فروخته شده و مخارج از فروش کم می شوند تا میزان درآمد قبل از سود و مالیات را به دست آورند. هزینه و مخارج هر دو میزان پولی را نشان می دهند که شرکت خرج کرده است، اما یک تمایز مهم بین این دو وجود دارد.

هزینه کالاهای فروخته شده (COGS)

هزینه کالاهای فروخته شده مخارج بر چیزی را نشان می دهد که به طور نزدیکی با تولید محصول یا خدماتی که در حال فروش است وابسته است. به طور مثال، در خرده فروشی، هزینه کالاهای فروخته شده معمولات کل هزینه محصول به اضافه هزینه های باربری است. در یک شرکت تولیدی، هزینه کالاهای فروخته شده پیچیده تر است و شامل هزینه مواد اولیه و نیروی کار می شود که با تولید و همچنین مخارج جانبی در حمایت از تولید وابسته است. مخارج جانبی ، مخارج کلی نامیده می شوند و می توانند قابل توجه باشند. این شامل هزینه چنین جیزهایی به عنوان مدیریت کارخانه، ساخت خود کارخانه و افت بهای ماشین آلات می شوند.

در یک شرکت خدماتی، هزینه کالاهای فروخته شده شامل حقوق افرادی می شود که این خدمات را ارائه می دهند، افت بهای ابزار آلات و تجهیزات، هزینه های سفر برای گرفتن سرویس های مورد نیاز و هزینه تسهیلاتی که برای عملیات خدمات مورد نیازاست.

مخارج

مخارج صرف کردن پول بر چیزهایی است که لزوما به تولید وابسته نیستند. این شامل عملیاتی مانند مارکتینگ و فروش، حسابدان، پرسنل، تحقیق و مهندسی می شود. پولی که در این زمینه خرج می شود به عبور زمان بستگی دارد تا به میزانی که تولید می شود.

افت بها

اگرچه نه بر تمامی صورت حساب های درآمد اما افت بها از اهمیت خاصی برخوردار است. ما این ایده را بعدا به صورت جزئی بررسی خواهیم کرد. حالا، مهم است که یادآوری کنیم هزینه و مخارج معمولا شامل افت بها می شوند.

سود ناخالص

سود ناخالص که گاهی اوقات حاشیه سود ناخالص نیز نامیده می شود درآمد فروش کمتر از هزینه کالای فروخته شده است. این یک اندازه گیری اساسی در سودآوری است و هزینه ساخت محصول یا سرویس را قبل از در نظر گرفتن هزینه فروش، توزیع یا حسابداری ایجاد می کند.

بهره

اگر شرکت وام گرفته باشد، باید به وام دهندگان بهره پرداخت کند. مهم است که درک کنیم یک تفاوتبزرگ در میزان پرداخت بهره در شرکت های مختلف وجود دارد. اگر یک شرکت به طور کامل با پول مالک سرمایه گذاری کند، هیچ بهره ای وجود ندارد. اگر قسمتی از سرمایه گذاری وام گرفته شود، شرکت باید بدهی و پرداخت بهره داشته باشد.یک شرکت که با وام بدهکار نامیده می شود.

بدهی یه معنای افزایش سرمایه از طریق وام است.

سود عملیاتی یک سود کاری قبل از در نظر گرفتن هزینه های مالی است.

درآمد قبل از بهره و مالیات (EBIT)

درآمد قبل از بهره و مالیات یک خط مهم در صورتحساب درآمد است، زیرا سود دهی عملیات شرکت را قبل از در نظر گرفتن شرایط سرمایه گذاری است. این خط سود عملیاتی نامیده می شود.

برای درک مفهوم EBIT، در نظر بگیرید که ما می خواهیم عملکرد دو کار را با یکدیگر مقایسه کنیم که مفهوم یکسانی برای سرمایه گذاری آنها هستند. یک کار را در نظر بگیرید. یک کار را فرض کنید که به طور داخلی توسط شرکاء سرمایه گذاری شده است و دیگران دارای میزان مشخصی از بدهی هستند.

اگر ما سعی کنیم که دو شرکت را بر پایه درآمد خالص قضاوت کنیم، ما یک تصویر صحسح از نقاط قوت نسبی عملکرد شرکت به دست نمی آوریم، زیرا شرکت دوم سود خود را با پردخت بهره بر پولی که وام گرفته است کاهش می دهد. اما میزانی که وام گرفته شده است با چگونگی فروش خوب محصولات ، هزینه ساخت و چگونگی مدیریت عملیات کاری ندارد.

مشکلی که در اینجا ایجاد می شود بهره، پرداخت به طلبکاران است که در صورتحساب درآمد نشان داده شده است اما سود سهام، پرداخت به مالکان در این مورد نیست. بنابراین یک شرکت با سرمایه گذاری با وام دارای درآمد خالص کمتری نسبت بهیک شرکت مساوی است که توسط شرکاء سرمایه گذاری شده است.

برای این مشکل ما یک خط EBIT ایجاد می کنیم. این نشان می دهد که سودآوری عملکرد کار قبل از نتایج با روش سرمایه گذاری پر می شود.

درآمد قبل از مالیات و مالیات

سود ناخالص به غیر از مخارج مانند بهره، باعث درآمد قبل از مالیات می شود. درک کردن مفهومی چیزی که شرکت قبل از اینکه ایالت متحده آمریکا سود خود را بگیرد تولید می کند ساده است.

مالیات

مالیات در صورتحساب درآمد به مالیات در آمد بر میزان مشخصی از درآمد قبل از مالیات اشاره می کند. شرکت ها مالیات های دیگری نیز می پردازند، اما آنها به عنوان هزینه یا مخارج علاوه بر صورتحساب درآمد به نظر می رسند.

بنابراین ، مالیات قانونی که در درآمد قبل از مالیات به کار می رود همیشه مالیات را بر صورتحساب نشان نمی دهد. اعتبارات و تنظیمات زیادی در پشت عدد نهایی وجود دارد.

مالیات لزوما نشان دهنده مالیات واقعی نیست، زیرا بیشتر گزینه ها به طور متفاوتی برای مالیات و اهداف گزارش دهی به کار می روند. هنگامیکه مالیات تمام شده متفاوت از مالیاتی است که نشان داده می شود، بیشتر تفاوت معمولا به میزان مالیات معوق بر تراز نامه تعبیر می شود. مالیات های کنونی می تواند معوق شوند یا مالیات های از قبل معوق شده می توانند در حال حاضر مقرر می شوند. برخی از حسابداری های پیچیده معمولا مورد بحث قرار می گیرند.

ما در این مقاله نگران چنین پیچیدگی هایی نیستیم. ما به طور کلی مالیات کار را بر اساس درآمد های جاری قبل از مالیات محاسبه خواهیم کرد.

درآمد خالص

درآمد خالص با کم کردن مالیات از درآمد قبل از مالیات محاسبه می شود و به خط زیرین مشهور است. همانطور که قبلا گفته شد، نقدینگی در جیب شرکت یکسان نیست. در برخی از موارد ممکناست نزدیک به گردش وجوه باشد اما در دیگر موارد به طور مشخصی متفاوت است. آن صورتحساب گردش وجوه را برای نشان دادن اینکه شرکت واقعا در کوتاه مدت چگونه بوده است به کار می رود.

درآمد خالص که سود نیز نامیده می شود به مالک شرکت تعلق دارد. آن می تواند به صورت سود سهام یا درآمدهای نگهداری شده در کار پرداخت شود. درآمدهای نگهداری شده به حق صاحبان سهام در ترازنامه اضافه می شود.

درآمد های نگهداری شده به عنوان سود سهام پرداخت نمی شوند.

واژگان

واژگانی که در صورتحساب درآمد استفاده می شود بین شرکتها یکپارچه نیست. کلماتی مانند درآمد، سود و کارکرد هم معنا هستند، بنابراین شما ممکن است هر یک از آنها را در خطوط متفاوتی در این جا ببینید. سود قبل از مالیات و سود بعد از مالیات که به صورت اختصار PBT و PAT دیده می شود مانند EBT و EAT برای درآمد قبل از مالیات و درآمد بعد از مالیات هستند.

ترازنامه

ترازنامه هر چیزی که در یک شرکت وجود دارد و هر چیزی که شرکت مقروض است را نشان می دهد. همچنین ترازنامه نشان می دهد که تمامی پول های شرکت از کجا آمده اند و برای چه کاری استفاده شده اند. اصل اصلی این است که تمامی منابع پول و تمامی موارد استفاده شده باید یکسان باشند.

پول شرکت از بدهکار و بستانکار می آید. طلبکار پول را در یک یا چند شکل قرض داده است و بدهی برای پرداخت مجدد ایجاد کرده است. مالکان در شرکت سرمایه گذاری کرده اند یا اجازه داده اند که درآمد در شرکت بماند تا اینکه آن را بیرون بکشند. در یک حالت از دست رفته، شرکت در مشارکت در سرمایه به مالکان بدهکار است. یک شرکت از پول برای کسب دارایی استفاده می کند که هر دو ملموس و غیر ملموس هستند.

معرفی

یک ترازنامه دارای دو سمت است. یکی از آنها تمامی دارایی های شرکت را فهرست می کند و سمت دیگر تمامی بدهی ها و حق صاحبان سهام را لیست می کند.

تراز نامه می تواند به صورت یک معادله بیان شود

دارایی ها = بدهی ها + حق صاحبان سهام

جدول 2.2 نمونه ای از یک تراز نامه

|  |
| --- |
| نقدینگی 1000 دلار حساب پرداختنی 1.500 دلارحساب دریافتنی 3000 اقلام تعهدی 500موجودی 2000 بدهی کنونی 2000 دلاردارایی کنونی 6000 دلاردارایی ثابت بدهی طولانی مدت 5000 دلارناخالص 4000 دلار حق صاحبان سهام 5000افت بهای جمع شده 1000 کل سرمایه 7000 دلارخالص 3000 دلارکل دارایی 9000 دلار کل بدهی و حق صاحبان سهام 9000 دلار |

در یک سمت ما دارایی ها را داریم که نشان می دهد که شرکت با پول چه کرده است. در سمت دیگر ما بدهی ها و حق صاحبان سهام را داریم که نشان می دهد پول از کجا آمده است. اگرچه همه چیز به درستی انجام شده باشد، هر دو سمت باید یکسان یا متعادل باشند- بنابراین نام این مدرک ترازنامه می باشد. ترازنامه گاهی اوقات صورتحساب موقعیت مالی نیز نامیده می شود.

نوعی از ترازنامه در جدول 2.2 نشان داده شده است. توجه کنید که کل دارایی با کل بدهی به علاوه حق صاحبان سهام برابرا است.

این نمایش کمی ساده شده است اما نکات مهم ترازنامه را نشان می دهد. ما با سمت دارایی شروع خواهیم کرد و با صورتحساب داخلی کار می کنیم.

دارایی و بدهی ، هر دو در کاهش ترتیب نقدینگی تنظیم می شوند. نقدینگی، در این متن به عنوان آمادگی است که یک دارایی می تواند نقد شود یا یک بدهی به نقدینگی نیاز دارد. در سمت دارایی، دارایی راکد خودش نقد است. سپس حسابهای دریافتنی دیده می شود زیرا کسی پیش بینی می کند که در شرایط عادل کاری، دریافتنی طی چند روز نقد خواهد شد. سپس موجودی دیده می شود زیرا در مدت کوتاهی فروخته می شود و نقدینگی بدست می آید. دارایی ثابت در لیست کم است زیرا آنها باید فروخته شوند یا در بازار به پول تبدیل شوند. منطق مشابهی در ست بدهی وجود دارد.

دارایی ها

در ادامه، ما هر داریی را بررسی خواهیم کرد و عناصر مهم فتارهای مالی / حسابداری را نشان می دهیم

پول نقد

پول نقد به عنوان پول در حسابهای بانکی و به معنای اسکناس در دست می باشد. اسکناس معمولا یک میزان کم است. شرکتها پول نقد را در حساب بانکی نگهداری می کنند تا صورتحساب ها را بپردازند و درمقابل حوادث پیش بینی نشده آگاه باشند.

شرکتهای بزرگتر معمولا یک گزینه نزدیک به پول نقد را به نام اوراق بهادار قابل معامله نگهداری می کنند. اوراق بهادار قابل معامله یک سرمایه گذاری کوتاه مدت است که یک بازده متوسط دارد و بسیار مطمئن است. این اوراق می توانند به راحتی فروخته شوند. بنابراین آنها نیاز پیش آگاهانه خود را حفظ می کنند در حالیکه سود کمی در همان زمان به دست می آورند.

هنگامیکه یک دارایی به پول نقد تبدیل می شود به نقدینگی اشاره می کند.

اوراق بهادار قابل معامله یک سرمایه راکد است که به جای پول نقد نگهداری می شود.

حسابهای دریافتنی

حسابهای دریافتنی فروش اعتباری را نشان می دهند که جمع نشده اند. در شرایط طبیعی، این ها باید به صورت نقد طی چند هفته پرداخت شوند.

بیشتر شرکتها به صورت اعتباری 30 روزه کالاهای خود را می فروشند. مشتریان اغلب اغلب این مدت را کمی طولانی تر می کننند. این بدین معنی است که برای یک شرکت متداول نیستن که دوره 45 روزه برای فروش اعتباری خود در پرداختنی داشته باشد. این است (= 365 / 45) 12.3 درصد از درآمد سالانه شرکت است.

اندوخته طلب غیر قابل وصول

دریافتنی معمولا خالص یک حساب متعادل را نشان می دهد که برای حساب های مشکوک یا حسابهای غیر قابل وصول مجاز هستند. این تعادل نشان می دهد که بیشتر شرکتها فروش اعتباری داشته اند که هرگز پرداخت نشده است. این ها معمولا رصد کمی از کل فروش هستند.

طلب غیر قابل وصول با اضافه کردن یک میزان مساوی به درصد کمی از فروش ددر تعادل هر ما ه ایجاد و حفظ می شود. این میزان فروش اعتباری را تخمین می زند که هرگز وصول نشده است و حتی هیچ کسی نمی داند که غیر قابل وصول بوده است.

حذف کردن یک دریافتنی

هنگامیکه یک دریافتنی غیر قابل وصول شناخته می شود (شاید مشتری ورشکسته شده باشد)، باید حذف شود. حذف کردن یک دریافتنی به معنی کاهش تراز در حساب دریافتنی با مقدار وصول نشده است. سمت دیگر ورودی به طور طبیعی اندوخته غیر قابل وصول که به طور منظم هر ماه برای آن منظور ارائه شده است را کاهش می دهد. بنابراین یک حذف به طور کلی بر تراز دریافتنی خالص تاثیر نمی گذارد. با این وجود، اگر دریافتنی از دست رفته به صورت غیر معمولی زیاد باشد، سمت دیگر حذف به طور مستقیم به سمت حساب مخارج حرکت می کند. این به طور کلی یک کاهش غیر قابل پیش بینی در سود را نشان می دهد.

دریافتنی غیر معمول

کاهش سود که توسط دریافتنی وصول نشده به وجود آمده است ناخوشایند است، بنابراین گاهی اوقات مدیریت حذف حسابهای غیر قابل وصول را به تعویق می اندازد. این باعث می شود که تراز دریافتنی شامل مقادیر شود که هرگز وصول نشده است. چنین حسابی غیر معمول نامیده می شوود.

موجودی

موجودی یک محصول است که در شرایط عادی کاری برای فروش نگهداری می شود. در یک شرکت تولیدی، موجودی می تواند به یک تا سه شکل موجود باشد: مواد اولیه، کالای در حال ساخت (اختصار wip) و محصول نهایی. یک خرده فروش فقط دارای موجودی کالای تمام شده است.

موجودی کالاهای در حال ساخت

ماهیت مواد اولیه و محصول نهایی مشخص هستند، اما کالاهای در حال ساخت به توضیح کمی نیاز دارند. هنگامیکه مواد اولیه به فرآیند تولید وارد می شود، نیروی کار شروع به تولید محصول می کند. ما آن نیروی کار را در موجودی مجسم می کنیم. به طور مثال، اگر در یک مرحله مشخص از تولید، قیمت یک تکه چوب 10 دلار باشد که یک کارگر که 15 دلار بر روی آن کار می کند، ما ممکن است فکر کنیم که ارزش آن 25 دلار است.بنابراین کالاهای در حال ساخت شامل هزینه مواد اولیه و هزینه میزان افزایشی نیروی کار می شود که به سمت تحویل محصول نهایی حرکت می کنند.

در کنار نیروی کار، بیشتر سیستم های حسابداری هزینه مخارج کارخانه (ساخت، تجهیزات، گرما، برق، نظارت و ...) را به موجودی اضافه می کنند.

اندوخته موجودی

موجودی در تزاز نامه قابل استفاده است اما همیشه این طور نیست. مسائل زیادی می توانند رخ دهند که بعث شود موجودی کم بها تر از آنجه شرکت پرداخته است باشد. کالاها ممکن است آسیب ببینند، فاسد شوند، دزدیده شوند و یا فرسوده شوند.

شرکتها محاسبات فیزیکی دوره ای اجرا می کنند تا فرسودگی را تشخیص دهند، اما آسیب های دیگر اغلب نامعین باقی می مانند تا زمانیکه از آنها استفاده شوند یا کالاها فروخته شود.

موجودی ترازنامه معمولا خالص اندوخته موجودی را نشان می دهد که برای میزان معمولی مواد مجاز است. اندوخته موجودی از نظر مفهومی به اندوخته غیر قابل وصول شبیه است و با حساب دریافتنی وابسته است. به همین نحو با اضافه شده هر ماه حفظ می شود و سمت دیگر آن یک هزینه است.

حذف کردن موجودی بد

اگر موجودی که کشف می شود از دست برود، یا آسیب ببنید یا فاسد شود، حساب موجودی ترازنامه باید کم شود یا کاهش را نشان دهد. سمت دیگر ورودی که تتراز موجودی ثبت شده را کاهش می دهد به طور طبیعی اندوخته وموجودی را کاهش می دهد، بنابراین تراز موجودی خالص تحت تاثیر قرار نمی گیرد. با این وجود، اگر آسیب بزرگ باشد، ممکن است کاهش در حساب مخارج به طور مستقیم تسویه شود و در نتیجه باعث کاهش سود می شود.

موجودی نامعمول

مدیریت اغلب سعی می کند که سود ثبت شده کاهش یافته را نادیده بگیرد. بنابراین، آنها باید هر تناسبی را که موجودی ارزش واقعی خود را حفظ کرده است بپذیرند. این می تواند منجر به نامعمول شدن تراز موجودی شود.

اغراق

اغراق در دریافتنی و موجودی می تواند یک مشکل بزرگ برای کاربرانصورتحساب مالی ایجاد کند که به معنی ارزش یک شرکت می باشد. به این منظور، دارایی ها نیز اغراق آمیز می شوند، ارزش شرکت کمتر از چیز است که نشان می دهد. اغراق می تواند به معنی این باشد که شرکت به طور موثری مدیریت نمی شود. هر دو این احتمالات موضوعات مهمی در ارزش گذاری سهام شرکت هستند.

دارایی های کنونی

سه دارایی اول بر روی تراز نامه دارای یکنونی نامیده می شوند. واژه دارایی کنونی به معنی دوره طبیعی کار است، این گزینه ها می توانند در طول یک سال به صورت نقدی پیش بینی شوند. کارهای پیچیده تر دارای اقالم جاری کمتری هستند، آنها در مقایسه با این ها از اهمیت کمتری برخوردارند.

مفهوم کنونی در تحلیل مالی مهم است، زیرا با توانایی یک شرکت در برآورده ساخته قوانین آن در کوتاه مدت بستگی دارد تمامی پول که کار از عملیات طبیعی دریافت می کند در حساب دارایی کنونی گردش دارد. به بیان دیگر، پولی که امروز در دارایی کنونی نیست ممکن است مدت زیادی در حال آمدن باشد، اما پولی که در حال حاضر در دارایی کنونی است می تواند به زودی به پول نقد تبدیل شود.

دارایی کنونی در طول یک سال به پول نقد تبدیل می شود.

دارای یهای ثابت

اقلام با عمر طولانی تر در زیر مقطع کنونی تراز نامه قرار گرفته اند. اگرچه چیزهای زیادی می توانند در این دسته قرار گیرند، اما اقلام عمده معمولا دارایی های ثابت هستند که سرمایه، کارخانه و تجهیزات (ppe) نامیده می شوند.

کلمه ثابت کمی گیج کننده است. زیرا به معنی ثابت در یک مکان نمی باشد، مانند یک کامیون یا یک ماشین راه آهن یک می تواند یک دارایی ثابت باشد. این عمر طولانی مدت را نشان می دهد. یک دارایی ثابت چیزی است که دارای زندگی مفیدی حداقل یک سال است. مهم است که اساس حسابداری دارایی ثابت و مفاهیم وابسته به افت بها را درک کنیم.

افت بها

افت بها یک روش حسابداری مصنوعی است که هزنیه یک دارایی را در طول طول مفید تخمین زده شده آن با توجه به چگونگی مهیا ساختن یا چپراخت آن نشان می شد. اگر هزینه در طول عمر دارایی گسترده شده باشد، ما می گوییم که افت بهادر خط مستقیم قرار دارد. ایده پشت افت بها انطباق گردش هزینه دارایی در صورت حساب درآمد ابا تحویل خدمات آن در طول زمان است. این اصول منطبق یک مفهوم مهم حسابداری است.

در بیشتر موارد، یک بحث ایجاد می شود که گردش وجوه در خارج از داری ی با سرعت بیشتری نستب به سالهای اولیه عمر آن حرکت می کند. افت بها می تواند در سالهای اولیه بیشتر باشد تا آن ایده را نشان دهد. هنگامیکه برنامه افت بها به سرعت حرکت می کند به آن استهلاک سریع می گویند.

براساس اصول انطباقی، تشخیص هزینه دارایی باید با عمر خدمات منطبق باشد.

استهلاک سریع بیش از یک هزینه دارایی را در سالهای اولیه عمر آن نشان می دهد.

ارائه صورتحساب مالی

افت بها که بر صورتحساب درآمد نشان داده می شود هزینه دارایی را نمایش می دهد. افت بهای مشابهی ممکن است در ترازنامه دیده شود جاییکه ارزش تجمعی آن به نمایش ارزش باقیمانده آن دارایی کمک می کند.

به یاد داشته باشید که ورودی حسابداری دارای دو قسمت است. قسمتی که مخارج افت بها را در صورتحساب درآمد ثبت می کند میزان مشاهی را در حساب ترازنامه ثبت می کند که افت بهای انباشته شده نامیده می شود. افت بهای انباشته شده به عنوان یک شروع در ارزش داریی اجرا می شود، بنابراین در هر لحظه ارزش خالص دارایی بین هزینه اصلی و افت بهای انباشته شده متفاوت است. یک مثال باید این ایده را به طور واضح بیان کند.

یک شرکت را در نظر بگیرید که یک کامیون به ارزش 10.000 دلار خریداری می کند و تصمیم می گیرد که بعد از طول مفید چهار ساله در هر سال 2.500 دلار آن را مستهلک کند. در طول آن زمان، صورتحساب درآمد شامل کالای 2.500 دلاری در هر سال می باشد. در طول دوره مشابه، هر ترازنامه سالانه سه رقم وابسته به دارایی را نشان می دهد، ارزش ناخالص آن، افت بهای انباشته شده و ارزش خالص.

مهم است که الگوی این ارقام را در طول زمان درک کنیم.حسابها مانند آنچه در جدول 2.3 نشان اده دشه است می باشند. به یاد داشته باشید که خرج استهلاک هر سال مشابه است. این بدین دلیل است که مثال از استهلاک خط مستقیم استفاده می کند. اگر استهلاک سریع استفاده شده باشد، سالهای اولیه تعداد بیشتری از سالهای بعدی خواهند داشت. خرج کلی استهلاک هنوز با 10.000 هزنیه دارایی[[1]](#footnote-2) یکسان است. این یک نکته مهم است. استهلاک کلی هرگز از هزینه دارایی تجاوز نخواهد کرد.

همچنین توجه کنید که استهلاک انباشته شده هر سال با میزان مخارج استهلاک در آن سال افزایش می یابد، اما ارزش ناخالص دارایی یکسان باقی می ماند. ارزش واقعی دارایی در هر نقطه از زمان با خط خالص نزدیک است که به عنوان ارزش دفتری کالا یا ارزش دفتری خالص به اختصار NBV نامیده می شود.

معین کردن یک دارایی به کار رفته

ارزش خالص دفتری یک ارزش بازاری نیست. دارایی ممکن است در بازار تجهیزات استفاده شده با یک مقدار که بیشتر یا کمتر از nbv آن در هر زمانی است قابل فروش باشد. مهم است که عملیات حسابداری را در هنگام بروز اتفاق درک کنیم.

جدول 2.3 افت بهای دارایی ثابت

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| سال | صورتحساب درآمد |  | ترازنامه |  |
| 1 | مخارج افت بها | 2500 دلار | ناخالصافت بهای انباشته شدهخالص | 10.000 دلار2.5007500 دلار |
| 2 | مخارج افت بها | 2500 دلار | ناخالصافت بهای انباشته شدهخالص | 10.000 دلار50005000دلار |
| 3 | مخارج افت بها | 2500 دلار | ناخالصافت بهای انباشته شدهخالص | 10.000 دلار75002500 دلار |
| 4 | مخارج افت بها | 2500 دلار | ناخالصافت بهای انباشته شدهخالص | 10.000 دلار10.0000 |

به طور مثال یک کامیون را در نظر بگیرید که بعد از دو سال 6000 دلار فروخته شده است. شرکت درآمد 6000 دلاری را در آن زمان تصدیق کرده است. هزینه وابسته به آن درآمد، NBV کامیون در آن زمان با 5000 دلار است. 1000 دلار تفاوت می تواند سود انهدام دارای باشد.

توجه داشته باشید که درآمد و سو قسمتی از درآمد عملیاتی نیستند، زیرا فروش کامیون استفاده شده جزء کسب و کار شرکت نیست. انها باید به عنوان اقلام دیگر درآمد ها ثبت شوند. چنین سودی به طور کلی شامل مالیات می شود. معاملاتی که فروش کامیون را ثبت می کند ارزش ناخاصل آن و افت بهای انباشته شده را از دفاتر حذف می کند. خالص این 5000 دلار هزینه دارایی استفاده شده است.

تخمین طول عمر

افت بها در طول عمر مفید تخمین زده شده یک دارایی اجرا می شود. بنابراین چیزهایی وجود دارد که فراتر از عمر تخمین زده شده عمر می کنند. دارایی هایی که هنوز فراتر از عمرشان مورد استفاده قرار می گیرد به طور کامل مستهلک شده اند. چنین ارزش ناخالص دارایی در دفاتر با افت بهای انباشته شده باقی می ماند. اگر بعد از آن زمان فروخته شود، هزینه آن صفر است

افت بهای مالیاتی (استهلاک) و دفاتر مالیاتی

دولت مشوق های بسیاری را برای تجارت از طریق نظام مالیاتی تدارک دیده است. یک از صور بسیار غالب آن شامل استهلاک است که از طریق هزینه های قابل کسر انجام می شود.

کسر پذیری از طریق استهلاک بالاتر در سال ارایه شده؛ به مالیات کمتر در همان سال منتج می شود. چرا که سود مشمول مالیات کمتر است.این امر بدین معنی است که استهلاک تسریع شده بزودی در طول عمر یک دارایی سبب کاهش مالیات ها می شود. پس اندازها بعدا پس داده می شود، در عمر دارایی زمانی که استهلاک کمتر و مالیات بیشتر است، اما اثر خالص آن مالیات معوق است البته اگر استهلاک تسریع شده استفاده شود.

متاسفانه سود ثبت شده پایین تر در سالهای اولیه حاصل از استهلاک تسریع شده چیزی نیست که مدیریت بخواهد ببیند. این امر سبب می شود که شرکت در آینده نزدیک کمتر موقفق دیده شود؛ در مقایسه با حالتی که حالت مستقیم استهلاک استفاده می شود. برای پرداختن به این مشکل؛ دولت به کسب و کارها اجازه میدهد تا از زمانبندی های استهلاک متفاوتی برای مقاصد مالیاتی و گزارش دهی مالی؛ استفاده کنند. مفهوم "کتابچه های مالیاتی" بمنظور اظهارنامه های مالیاتی با بهره گیری از قوانین مالیاتی استفاده می شود و مفهوم "کتابچه های مالی" یا فقط "کتابچه ها" بمنظور اظهارنامه های منظم استفاده می شود که پیشتر در مورد آن صحبت شد. تفاوت میان این دو روش به شرحی منجر می شود که در کتابچه های مالی؛ مالیات معوق نامیده شده است.

استهلاک هزینه ای غیرنقدی است

استهلاک تصوری مالی است؛ جریان فعلی مالی را نشان نمی دهد ولو اینکه بعنوان یک هزینه یا قیمت مورد اعمال قرارگیرد. این مقوله کاری با اینکه چگونه دارایی استحصال می شود یا هزینه می شود، ندارد.

مجموع دارایی ها

 موضوعاتی که در مورد آن تا حالا صحبت کرده ایم، بیشتر تشکیل دهنده بخش سمت چپ ترازنامه برای بسیاری از شرکت هاست. مجموع انها معمولا با مجموعه دارایی های برابر است.

تعهدات

تعهدات زمانی نمایش داده می شود که شرکت به افراد بیرونی مقروض باشد

صورت های قابل پرداخت

صورت های قابل پرداخت زمانی مطرح می شود که شرکت از شرکت های فروشنده اقلام بصورت اعتباری خرید می کند (که اعتبار تجاری نامیده میشود). پرداخت پذیر و دریافت پذیر دو وجه یک سکه اند. هنگامی که یک فروش اعتباری انجام می شود فروشنده آن را دریافت پذیر و خریدار پرداخت پرداخت پذیر ثبت می کنند. ذر بیشتر شرکت ها، بدنه اصلی صورت های پرداخت پذیر، از خرید موجودی انبار ناشی می شود.

دوره های فروش

طول زمان مجاز برای پرداخت در موعد تعیین شده فروش اعتباری در دوره های فروش، مشخص شده است. دوره های معمول پرداخت 30 روزه و شامل تخفیفاتی برای پرداخت های آنی است. دوره های دو 10، 30 خالص، که 2/10، n30 نوشته می شود به معنی اعطای تخفیف 2 درصدی است اگر پرداخت در طی 10 روز انجام شود و تمام مبلغ اخذ می شود اگر در 30 روز انجام گیرد. اعتبار تجاری عموما رایگان است که برای اگر همه مقدار پول در زمان مجاز پرداخت شود، بهره ای مطالبه نمی شود.

فروشنده ها ناراحت می شوند اگر صورتحساب هایشان در زمان تعیین شده طبق دوره های فروش پرداخت نشود . پرداخت با تاخیر در داد و ستد قابل پرداخت؛ پرداختنی کش آمده یا انحراف در تجارت نامیده می شود. اگر مشتری از دوره های فروشنده سوء استفاده کند امتیاز اعتباری احتمالا لغو می شود و فروشنده نتیجتا قبل از اریه اجناس ابتدا طلب پول نقد می کند.

پرداختنی های کم اعلام شده

وقتی در مورد صورت های دریافت شدنی و سیاهه کالاها بحث می کنیم ما با پدیده زیاد اعلام کردن مواجهیم، حالتی که ترازنامه دارایی هایی را مدعی می شود که شرکت آنها را ندارد. در جانب تعهد، ما نگران کم اعلام کردن هستیم، شرایطی که شرکتها تعهداتی دارند که با ترازنامه انها همخوانی ندارد. برای مثال ممکن است کالا از فروشنده دریافت شود، استفاده شود و در نهایت به راحتی این فعل و انفعال شناسایی نشود. عاقبتا فروشنده تقاضای پرداخت خواهد کرد و کار بالا خواهد گرفت اما ممکن است مقداری زمان ببرد.

مبناهای تعهدی

مبناهای تعهدی بوسیله بیشتر کاسبان غیر مالی،کج فهمی می شود. آنها یک دستگاه حسابداری مورد استفاده برای شناسایی هزینه ها و تعهدات مرتبط به تراکنش ها که هنوز کاملا خاتمه نیافته اند؛ می باشند.

پنج شنبه جمعه شنبه یکشنبه دوشنبه سه شنبه چهار شنبه پنج شنبه جمعه شنبه

موعد پرداخت

موعد پرداخت

آخر ماه

پایان

ماه اول

ماه دوم

مبنای تعهدی سیاهه پرداخت

بهترین راه برای فهم مبناهای تعهدی ملاحظه مثالی ساده شامل سیاهه پرداخت است. شرکتی را در نظر بگیرید که هر جمعه بعد از ظهر برای کار در آن روز به کارکنانش حقوق می دهد. حالا آخرین روز یک ماه خاص را فرض کنید که در چهار شنبه بیفتد، و دفاتر در آن بعد از ظهر بسته می شود. شکل 2.1 این موقعیت را نشان می دهد.

بخاطر تعطیلی تجارت در چهارشنبه اظهارنامه مالی باید دو چیز را در بر داشته باشد که توسط اوراق تراکنش منعکس نمی شود. این امر ناشی از این حقیقت است که کارمند برای 3 روز کارکرده (دوشنبه، سه شنبه و چهارشنبه) که در ماه اول هستند اما برای این روزها تا جمعه پولی دریافت نمی کند، که در ماه دوم قرار می گیرند.

موضوع نخست این است که در تاریخ بستن دفاتر شرکت به کارکنانش بابت آن روزها بدهکاراست و این قرض باید در ترازنامه منعکس گردد. موضوع دوم کاری انجام شده است که در ماه همین الان بسته شده و باید در صورت هزینه ها و مصارف ماه منعکس شود.

اگر ما به سادگی سیاهه هزینه را تصدیق کنیم هنگامی که جمعه پول نفد پرداخت می شود، سه روز کاری به ماه بعد منتقل می شود و تعهدی برای انتهای ماه باقی نمی ماند.

راه حل در ورودی مبنای تعهدی آخر ماه بر پایه دستمزهای سه روز است. یک بخش از ورودی ها به سبب تعهد دستمزدهای مبنای تعهدی در ترازنامه افزایش می یابد، در حالی که در طرف دیگر هزینه های دستمزد در ماه بسته شده؛ افازیش می یابد و مهم است که بفهمیم که تعهد تنها در دو روز پرداخت بعدی انجام می شود.

دیگر مبناهای تعهدی

مبناهی تعهدی برای هر تعداد از موارد وجود دارد. برای مثال شرکتی را تصور کنید در دیون معوق برای اموال در پایان سال مالی دولتی در ژوئن؛ ثبت شده است. اگر شرکت دفاترش را در آخر دسامبر ببندد، به دولت برای شش ماه مالیات بر اموال مقروض می شود ولو اینکه هیچ صورتحسابی را تا ژوئن دریافت نکرده باشد. مبنای تعهدی ملیاتی این هزینه و تعهد را در این اثنا مدنظر می گیرد.

تعهدات اخیر

تعهدات اخیر بعنوان مواردی مستلزم پرداخت در طی یک سال تعریف می شود از این رو پرداختنی ها و مبناهای تعهدی بصورت جاری طبقه بندی می شوند. دیگر تعهدات رایج قبوض قابل پرداخت، وامهای کوتاه مدت و قروض بلند مدت در طی سال منتهی به این تاریخ؛ هستند.

سرمایه کاری

دارایی های فعلی مجموعه به سرمایه کاری ناخالص ارجاع داده می شود، زمانی که تفاوت میان دارایی های جاری و تعهدات جاری بعنوان سرمایه کاری خالص؛ شناسایی می گردد.

بطور مفهومی سرمایه کاری خالص بازتابنده میزان پولی است که یک شرکت نیاز دارد تا فعالیت های روتین روزانه اش را انجام دهد. بطور رسمی:

سرمایه کاری خالص= دارایی های جاری- تعهدات جاری

در عمل مردم معمولا کلمه خالص را حذف می کنند.

سرمایه کاری مفهومی مهم است که کل بخش 16 بدان اختصاص یافته است.

قرض بلندمدت

عموما مهمترین شکل تعهدات غیرجاری قرض بلند مدت است. بسیار رایج است که این مفهوم را به سادگی قرض بخوانیم، بخصوص زمانی که قروض کوتاه مدتی چندانی وجود ندارد. قرض بلندمدت شامل بهره و وام های بلندمدت است.

نسبت بدهى به دارائى خالص

تجارتی که با قرض تامین مالی شود leveraged گفته می شود. این کلمه بدین معنی است که زمانی که امور خوب پیش می روند استفاده از پول قرضی می تواند سبب تقویت بازگشت سرمایه کارآفرینی گردد. این امر بدین صورت است:

فرض کنید تجارتی را که با مجموعه سرمایه گذاری 100000 دلاری و درآمد مالیات دررفته 15000 دلاری در سال اول. اولا تصور کنید که پول سرمایه گذاری شده کاملا از جیب کارآفرین آمده باشد. بازگشت سرمایه او معادل است با 15%.

حالا فرض کنید کارافرین نصف پول را قرض گرفته باشد یعنی 50000 دلار که نرخ بهه خالص آن پس از مالیات 10 درصد است. در این مورد میزان سود به 10000 دلار کاهش می یابد بواسطه پرداخت بهره 5000 دلاری بخاطر قرض، اما سرمایه گذاری کارفرین تنها نصف یعنی 50000 دلار بوده است. ازاین رو بازگشت سرمایه او 20 % است (10000 تقسیم بر 50000). قرض گرفتن پول سبب افزایش بازگشت سرمایه اش از 15 درصد به 20 درصد شده است.

 همه دارایی leveraged

درآمد 15000 15000

بهره - 5000

تفاضل 15000 10000

قرض - 50000

دارایی 100000 50000

مجموع سرمایه 100000 100000

نرخ بازگشت 15% 20%

بطور کلی تجارتی قادر به ایجاد نرخ بازگشت بیشتری برای سرمایه گذارنش با استفاده از پول قرضی می شود که بازگشت مقدار کلی پول سرمایه گذاری شده از نرخ سود وام بالاتر باشد.

هزینه های مالی ثابت

مهمترین نگرانی در مورد پول قرض گرفته شده هزینه بهره است. مهم است که در ذهن نگهداریم که هزینه های بهره ثابت هستند. این بدان معنی است که شما باید بدون توجه به آنچه تجارت انجام میدهد پرداخت داشته باشید. شما نمی توانید به بانک بروید و بگویید "فروش در این ماه کمی پایین بود، پس مشکلی نیست اگر من نرخ بهره را ندهم؟" امری که می تواند مشکلی واقعی در زمان سخت باشد. خیلی از تجارت ها بخاطر همین تکالیق مالی ورشکست شدند.

دارایی

دارایی نشانگر منابعی است که توسط صاحبان تجارت بدان وارد شده. این منابع به دو قسمند: سرمایه گذاری مستقیم و عایدی حفظ شده. سرمایه گذاری مستقیم زمانی اتفاق می افتد که حق السهمی فروخته شده و کارفرمایی پولش را در این کسب و کار بگذارد. عایدی حفظ شده زمانی اتفاق می افتد که سودها در کسب و کار باقی بماند؛ بجای انکه به صاحبان پرداخت شود.

ارایه سرمایه گذاری مستقیم بوسیله مالکین

اگر تجاری مشارکتی است میران سرمایه گذاری مستقیم در صورت موجودی بازنمایی می شود. یکی که موجودی معمول نامیده می شود و نشان دهنده مقدار قراردادی است که بسته به ارزش، هر زمان تقسیم برای شمار قابل توجه تقسیمات خوانده می شود. صورت دیگر معمولا بسه به تزاید است که نشاندهنده پرداخت برای موجودی ورای بستگی به تزاید آن است. این دو باهم نمایش دهنده مجموع میزان سرمایه گذاری مستقیم اند که یعنی مقدار پولی که برای موجودی پرداخت شده.

مهم است که بفهمیم که پرداخت در صورت تزاید یک عدد قراردادی بدون معنی است. اگر تجارت مشارکتی نیست این دو مفهوم ضرورتی ندارند*.*

عایدی حفظ شده

سود یک شرکت بستگی به صاحبان آن دارد که می توانند ان را برای حودشان بردارند یا در تجارت باقی اش بگذارند.به عایدی به بیرون پرداخت شونده توزیع شده گفته می شود و ان عایدی ای که درتجارت میماند، حفظ شده نامیده می شود. اگر تجارت مشارکتی است ترازنامه عایدی حفظ شده بطور جداگانه از سرمایه مستقیم پرداخت شده، در صورت موجودی نشان داده می شود. امری که در تجارت های غیر مشارکتی ممکن است باشد و ممکن است نباشد.

پول حفظ شده یا "بازسرمایه گذاری شده" در تجارت به میزان کمک صاحبان آن بصورت سرمایه گذاری مستقیم است. چرا که آنها می توانند ان را بردارند هر جایی که می خواند استفاده کنند.

صورت عایدی حفظ شده موضوعی است که بسیار در مورد آن کج فهمی می شود. شاید بخاطر لغات عنوانش؛ مردم بعضی اوقات مفهوم عایدی حفظ شده را بعنوان نگهداری پول نقد که شرکت می تواند در زمان مورد نیاز صرف کند، برداشت می کنند. درست مانند دیگر منابع سرمایه گذاری شده عایدی حفظ شده برای دارایی ها کمی بعد از این که در دسترس بود ، صرف می شود.

صورت عایدی های حفظ شده نشان دانده همه عایدی هایی است که توسط شرکت حفظ شده و مانند صورت های موجودی نشان دهنده همه پولی است که توسط مالکین سرمایه گذاری شده است. نه اینکه عموما مانند پول نقد در هر زمانی در دسترس باشد چرا که هر دوی آنها تمایل دارند تا صرف دارایی هایی شوند که به تجارت کمک می کند.

مثال صورت های دارایی

ما این مفاهیم را با مثالی روشن جمع بندی می کنیم. فرض کنید شرکتی با 20000 دلار با اشتراک گذاری دلار برای هر سهم در 8 دلار مشارکتی و نتیجتا 7000 دلار که 15000 دلار بعنوان سود سهام پرداخت می شود. صورت های دارایی پس بدین شکل است:

موجود ی معمول (2 دلار \* 20000) 40000 دلار

پرداخت اضافه (6 دلار \* 20000) 120000 دلار

عایدی حفظ شده (70000 دلار – 15000 دلار) 55000 دلار

موجودی کل 215000 دلار

ارتباط میان درآمد خالص و عایدی های حفظ شده

بسیار مهم است که رابطه متقابل بین دارایی خالص و عایدی حفظ شده را در اظهارنامه های مالی بفهمیم.

درآمد خالص (یا عایدی مالیات در رفته) به بخشی از عایدی های حفظ شده تبدیل شده و بنابراین بخشی از دارایی در پایان دوره حسابداری است- اگر بین مالکین توزیع نگردد. این بدین معنی است که اگر سرمایه گذاری جدیدی بر موجودی انجام نشود و چیزی به مالکین در طی دوره حسابداری پرداخت نگردد، آنگاه:

دارای اولیه+ درآمد خاص= دارایی نهایی

اگر چیزی به مالکین پرداخت شود به شکل سود سهام:

دارایی اولیه + درآمد خالص- سودسهام= دارایی نهایی

شکل ترازنامه آغازین، شامل عایدی ، شامل آن ترازهایی است که به پایان دوره قبلی حسابداری باز می گردد. برای مثال تراز آغازین برای 2008 تراز نهایی برای سال 2007 است. بنابراین دارایی ابتدایی سال 200 همان دارایی انتهایی سال 2007 است.

موجودی ترجیحی

موجودی ارجح موضوعی امنیتی ای توسط برخی شرکتهاست، که بطور موثر تقاطعی است میان قرض و دارایی معمول. گمان می شود که این امری پیوندی باشد چرا که برخی صفات هر یک از دیگر نکات امنیتی سنتی را داراست. قانونا، بعنوان دارایی دسته بندی شده و دربردارنده برشی از دارایی در ترازنامه ذیل صورت های موجودی عادی است. دارایی مجموع، حاصل جمع دارایی های عادی و ترجیهی است. (ما موضوع موجودی ترجیهی را در فضل 8 مطالعه کردیم)

مجموع سرمایه

مجموع قرض بلند مدت و دارایی مجموعه سرمایه است. این منابع عموما برای پشتیبانی دارایی های بلند مدت استفاده می شوند.

مجموع تعهدات و دارایی

مجموع سمت راست ترازنامه زمانی که همه منابع شرکت از آن می آیند و تکالیف برای افراد بیرون و مالکین بعنوان نتایج آن اولی ها، می باشد. مجموع تعهدات و دارایی باید همیشه برابر با مجموع موجودی باشد.

حوزه مالیات

در امور مالی ما بدوا نگران مالیاتهای رسمی بر درآمد هستیم برای هر دوی افراد و شرکت ها.به هرحال ما در ابتدا به طور کلی کمی به پیش زمینه مالیات ها می پردازیم.

نهادهای مالیاتی و پایه های مالیاتی

مالیات توسط نهادهای دولتی مختلفی تحمیل می شوند. در این کشور ما عموما به سه قسم از سطوح مالیاتی می اندیشیم: فدرال، ایالتی و محلی (شهرها و استانها)

هر مالیاتی باید پایه مالیاتی داشته باشد- چیزی که بر آن مالیات بسته می شود. سه پایه متداول مالیاتی درآمد، ثروت و مصرف هستند.

مالیات بر درآمد

مفهوم مالیات بر درآمد سرراست است. مؤدی مالیاتی کسری از درآمد را در دوره ای تعیین شده -عموما یک سال- به نهاد مالیاتی می پردازد. مهمترین مالیات بر درآمد مالیات فدرال است چرا که عموما دربردانده بزرگترین بخش از درآمد ماست. بسته به اینکه چقدر یک نفر در می آورد، مالیات فدرال می تواند بیش از 35 درصد از آخرین پول درآمد باشد[[2]](#footnote-3). بیشتر ایالات مالیات بر درآمد دارند اما نرخ آن بسیار کمتراست، عموما از 5 درصد تا 10 درصد. بسیاری شهرهای بزرگ همچنین مالیات بر درآمد دارند با نرخی حول و حوش 1 درصد. نیویورک یک مثال برجسته است.

افراد و شرکت ها هر دو هدف مالیات بر درآمد هستند اما تحت مجموعه ای متفاوت از قوانین که ما اختصارا بدان می پردازیم.

مالیات بر ثروت

مالیات بر ثروت بر پایه ارزش گونه های مشخصی از دارایی وضع می شوند. معمول ترین مالیات بر ثروت بوسیله شهرها و کشور ها برپایه ارزش املاک وضع می شود. پول جمع شده از مالیات بر املاک برای اداره سیستم های آموزشی بومی و پرداخت برای خدمات شهری مثل اتشنشانی و اداره پلیس صرف می گردد. مالیات بر ثروت همچنین مالیات بسته به ارزش نیز نامیده می شود.

مالیات بر مصرف

مالیات بر مصرف بر اساس میزان کالایی است که ما مصرف می کنیم. معمولترین مالیات بر مصرف مالیات بر فروش است که مصرف کنده نهایی محصول آن را بر روی قیمت محصول می پردازد. مهم است که بدانیم که مالیات بر مصرف یا استفاده را تنها استفاده کننده نهایی می پردازد. بنابراین چیزی که برای فروش مجدد خریداری می شود شامل این مالیات نمی شود.

مالیات های بر فروش توسط ایالات و دولت های محلی اعمال می شوند. مالیات بر مصرف دولت فدرال تنها بر مصارف خاص مثل الکل، سیگار و گازوییل است. مالیات دولت مرکزی بر مصرف، مالیات غیر مستقیم نیز نامیده می شود.

مالیات بر درآمد- نرخ مجموع مالیات موثر

بسیاری تصمیمات تجاری بر اساس نرخ مالیات بردرآمدی که هر فرد یا شرکت پرداخت خواهدکرد ، گرفته می شود. اگر مالیات بر درآمدی ایالتی هم وجود داشته باشد این امر هم باید در کنار مالیات بر درآمد فدرال در نظر گرفته شود. نرخ مجموعه مالیات موثر نرخ تلفیقی است که مالیات دهنده تابع آن است. محاسبه نرخ های فدرال یا ایالتی آسان نیست چرا که مالیات ایالتی در محاسبات از مالیات فدرال قابل کسر است.

برای مثال فرض کنید که یک مؤدی مالیاتی تابع یک مالیات فدرال 30 درصدی و 10 درصد مالیات ایالتی برای درآمدی 100 دلاری است. او باید بدین صورت مالیات بپردازد:

درآمد قابل پرداخت مالیات برای مالیات ایالتی 100 دلار

مالیات ایالتی 10 % 10دلار

درآمد قابل پرداخت مالیات برای مالیات فدرال 90 دلار

مالیات فدرال 30 % 27 دلار

خالص باقی مانده پس از مالیات 63 دلار

مجموع مالیات 37 دلار

نرخ مجموع مالیات موثر 27 درصد

اضافه کردن دو نرخ مقدار 40 درصد را می دهد . بطور کلی ما میتوانیم مجموع نرخ مالیات موثر(**TETR**) را با این فرمول محاسبه کنیم

**TETR** = **Tf** + **Ts (1** \_ **Tf)**

جایی که Tf مالیات فدرال و Ts مالیات ایالتی است.

 نظام های مالیاتی تصاعدی، نرخ های حاشیه ای و میانگین

نظام مالیات بر درآمد ایالات متحده تصاعدی است.در یک نظام مالیاتی تصاعدی نرخ مالیات بر درآمد مؤدیان افزایش می یابد هنگامی که درآمد افزایش می یابد. این مهم است که این ایده را از عقیده ای ساده که می گوید مؤدی مالیاتی با درآمد بالا مالیات بالایی می پردازد، جدا کنیم. اظهار نظر آخر درست است اگر همگی با یک نرخ مالیات برای درآمدشان مالیات دهند.

یک نظام تصاعدی ممکن است به گونه ای باشد که هر کس با درآمد کمتر از 2000 دلار به نرخ 20 درصد مالیات دهد اما کسانی که درآمدی بیش از 20000 دلار دارند 30 درصد برای میزان بیش از 20000 دلار بپردازند. بدلیل اینکه در زمانی که درآمد از 20000 دلار بالا می زند، نرخ بالا می رود ، این سیستم تصاعدی است.

توجه کنید که مؤدیان با درآمدی بیش از 20000 برای همه درآمدشان نرخ بیشتری را ندارند بلکه فقط برای مبالغ بالای 20000 دلار این اتفاق می افتد. بعنان مثال برای مؤدی­ای که درآمدی 25000 دلار ی دارد بدین شکل عمل می شود:

20 درصد برای 20000 دلار اول = 4000 دلار

30 درصد باری 5000 دلار باقیمانده= 1500 دلار

مجموع مالیات= 5500 دلار

طبقات

نرخ ها در نظام ها تصاعدی به نرمی افزایش نمی یابد، هنگامی که درآمد زیاد می شود. بیشتر آنها در طبقه هایی از درآمد ثابت می مانند و سپس یکباره به سطحی بالاتر پرش می کنند. طیفی از درآمد که بر اساس آن مالیات ثابت است طبقه درآمدی خوانده می شود. در اینجا نظامی تصاعدی فرضی­ای دیده می شود که سه طبقه دارد:

طبقه نرخ مالیات

0-5000 دلار 10 درصد

5000-15000 دلار 15 درصد

بیش از 15000 دلار 25 درصد

این نمایش از ساختار مالیاتی جدول مالیات یا زمانبندی مالیات خوانده می شود.

پیش از 1986 نظام مالیات انفرادی 14 طبقه داشت و خیلی سال پیش بالاترین نرخ 70 درصد بود. در 2006 شش طبقه وجود داشت و بالاترین نرخ 35 درصد بود. ما بحث خواهیم کرد بر ساختار نرخ واقعی پس از اینکه تصویرسازی می کنیم بعضی از مفاهیمی را که در مثال ساده ما استفاده می شوند.

یک مؤدی مالیاتی اغلب با طبقه اش شناسایی می شود که با بیشترین نرخ خود نامگذاری می شود. بنابراین فردی که 10000 دلار دآمد دارد در مثال ما باید در طبقه 15 درصد نام برده شود.

نرخ های مالیاتی حاشیه­ای یا میانگین

مفهوم نرخ مالیات برای همه مؤدیان قابل اعمال است. نرخ حاشیه ای مالیات نرخی است که برای هر دلار اضافه در درآمد افراد وضع می شود. نرخ مالیات میانگین درصدی از مجموع درآمد فرد است که برای مالیات پرداخت می شود. نرخ حاشیه ای برای تصمیمات سرمایه گذاری مناسب است. ما بطور اجمالی چرایی آن را شرح می دهیم. حال بیایید چند مالیات فرضی را حساب کنیم.

محاسبات

با استفاده از نرخ های فرضی سه طبقه ای بالا، ما میزان دلاری مالیات و دو نرخ مالیات بر درآمد را برای درآمدهای 4000، 11000 و 25000 دلاری محاسبه می کنیم.

برای درآمد 4000 دلار مؤدی در پایین ترین طبقه و تابع تنها یک نرخ است. محاسبات هم خیلی ساده است. مالیات تنها 10 درصد از 4000 دلار یعنی 400 دلار است و نرخ های حاشیه ای و میانگین هردو 10 درصدند.

برای درآمد 11000 دلاری موارد، مقداری جالب ترند. بدین شکل که

10 درصد از 5000 دلار نخست= 500 دلار

15 درصد از 6000 دلاری بعدی= 900 دلار

مجموع= 1400 دلار

نرخ میانگین مجموع صورتحساب مالیات بخش بر درآمد است:

1400/ 11000= 12.7%

نرخ حاشیه ای 15 درصد است بر اساس آنچیزی گه بایستی بر پایه یازده هزار و یکمین دلار باید پرداخت شود.

توجه کنید گه نرخ حاشیه ای همیشه همان نرخ طبقه است. تنها در بالای هر طبقه نرخ حاشیه ای نرخ طبقه بالاتر می شود.

برای 25000 دلار درآمد محاسبات از این قرار است:

10 درصد از 5000 دلار اول= 500 دلار

15 درصد از 10000 دلار بعدی= 1500 دلار

25 درصد از 10000 دلار آخر= 2500 دلار

مجموع= 4500 دلار

توجه کنید که هر نرخی تنها برای همین طبقه اعمال میشود. نرخ میانگین هم اینگونه است:

4500/25000= 18 %

نرخ حاشیه ای برای انچه که به ازای هر دلار اضافه باید پرداخت شود، 25 درصد است.

یک نکته مفهومی در مورد سیستمی که ما شرح دادیم این است که مؤدیان با درآمد بالا از نرخ های پایین طبقه اول مربوط به درآمدشان لذت می برند. توجه کنید که مؤدی ای با درآمد 25000 دلاری تنها 10 درصد برای 5000 دلار نخست می پردازد اما باقی آنچه بر آن مالیات بسته می شود قابل توجه است.

در مثال های پی شرو برنامه زمانبندی مالیات را بعنوان درآمد قابل دریافت مالیات بکار می بندیم. درآمد قابل پرداخت مالیات درآمد مجموع یا خالص مؤدی نیست. این امر یابد بر طبق قوانین و کدهای مالیاتی معلوم شد. ما پایه های این محاسبات را اختصارا پوشش می دهیم.

مجموع سود و زیان

نظام مالیاتی دو گونه عمده از درآمد را شناسایی می کند: درآمد معمولی و ویژه. درآمد عادی عموما نتیجه فعالیت­های درآمدی عادی است. مانند حقوق دریافتی، سود حاصل از تجارت های غیر مشارکتی،بهره یا سود سهام دریافتی از سرمایه گذاری ها. حقوق، سودسهام و بهره تنها مثبت هستند اما سود کسب و کار می تواند مثبت یا منفی باشد. از اینرو درآمد عادی می تواند ضرر عادی هم باشد.

سود یا ضرر ویژه هنگامی است که برخی افراد برخی چیزها را با قیمت های ویژه ای می خرند ، مدتی نگاه می دارند و و با قیمتی متفاوت می فروشند. اگر قیمت قروش از قیمت خرید متفاوت باشد این تفاوت نشانگر سود ویژه است. اگر قیمت فروش پایین تر باشد این تفاوت ضرر ویژه است. این مورد می تواند شامل موارد واقعی یا مالی شود.

رفتار مالیاتی با سودها و ضررهای ویژه

بطور تاریخی سودهای ویژه رفتارهای مالیاتی درخوری هم بهمراه دارند. اینگونه که بر آنها مالیات کمتری نسبت به درآمدهای عادی بسته می شود. دلیل این رفتار در استفاه نظام مالیاتی بمنظور تشویق فعالیت های اقتصادی دلخواه؛ نهفته است. سرمایه گذاری بر دارایی منجر به تحریک اقتصاد می شود و کنگره معمولا این امر را مناسب می بیند. مالیات هایی که اینگونه حاصل می شوند صرف ایجاد پروژه هایی جذاب تر و بهتر می شوند.

سیستم مالیاتی سود ویژه بواقع خیلی پیچیده است و مستلزم خیلی قوانین و توصیفات برای انتخاب رفتاری خاص است. مهمترین تمایز مدت زمانی است که مؤدی آن دارایی را قبل از فروش نگاه می دارد. اخیرا اگر دوران نگهداری کمتر از یکسال باشد هر سود ویژه ناشی از فروش تحت عنوان کوتاه مدت طبقه بندی شده و سزاروار اینچنی رفتار مالیاتی ای تشخیص داده نمی شود. سودهایی بر دارایی هایی با بیش از یکسال نگهداری بعنوان بلند مدت طبقه بندی شده و سزاوار آن برخورد مالیاتی هستند. آنطور که از سال 2006 ذات نظام بر پایه نرخ مالیاتی15 درصدی برای سودهای ویژه بلندمدت؛ بنا شد.

بدین معنی که مؤدی ای در طبقه پایین 15 درصد با در نظر گیری درآمد عادی، بیش از 15 درصد برای درآمد سودهای ویژه بلندمدت نمی پردازد. که می تواند پس اندازی چشمگیر باشد، انجایی که بالاترین طبقه نرخ مالیاتی 35 درصدی دارد. شرکت های از نرخ های مطلوب در سودهای ویژه بهره مند نیستند.

ضررهای ویژه می توانند برای متعادل سازی سودهای ویژه استفاده شوند. اما اگر تراز سودها و ضررها نهایتا به ضرر منتهی نشود بیش از 3000 دلار از آن ضرر نمی تواند برای مؤدیان منفرد برای متعادل کردن درآمد عادی شان در هر سال استفاده شود. بنابراین ضررهای ویژه رفتار مالیاتی نامطلوب را دریافت می نمایند.

اگر ضررهای خاص افراد از سودهای خاص بالا بزند با مقدار بیش از 3000 دلار در سال داده شده، این مازاد میتواند به سالهای بعدی برای کاهش درآمد عادی بیش از 3000 دلار در سال؛ انتقال یابد. ضررهای ویژه شرکتی تنها می تواند برای متعادل سازی سودهای ویژه منتقل شود.

اهمیت رفتار مالیاتی

مهم است که بفهمیم چرا رفتار با سودهای ویژه از نظر مالی بسیار مهم است. بسیاری سرمایه گذاران سهامی را با پیش بینی افزایش قیمت و نه فقط دریافت سود می خرند . سودحاصل از افزایش قمیت سهام یک سود ویژه است. اگر بر این امر اساسا مالیاتی کمتر از دیگر سودها بسته شود؛ خرید سهام دارای جذابیت بیشتری برای سرمایه گذاری عمومی می شود. بنابراین رفتار ماgیاتی مطلوب بر سودهای ویژه؛ آن را برای افزایش پول با فروش سهام آسانتر می کند. ازاینرو این ایده با ذوق و شوق فراوان توسط یک شرکت تجاری دنبال می شود.

محاسبات مالیات بر درآمد

 مالیات بر درآمد هم توسط مردم و هم توسط شرکت ها ، براساس چند اصول پایه ای پرداخت می شود. در هر مورد مالیات وضع شده بر پایه درآمد قابل دریافت مالیات است. سپس فرایند مالیات به محاسبه جدول مالیات تصاعدی می پردازد. اما این مرحله به راحتی تمام نمی شود. جداول نرخ ها برا ی شرکت ها و افراد خلیلی متفاوتند و همچنین قوانین تعیین درآمدهای قابل اعمال برای مالیات. ما نگاهی خواهیم داشت بر فرایندهای پایه ای محاسباتی در دو صفحه پیش رو.

مالیات های شخصی

مالیات بر افراد مالیات شخص یا فردی خوانده می شود. دسته بندی پرداخت مالیات برای آن بخش خانگی است، معمولا خانواده ها از انواع مختلف هستند. جداول مختلفی برای افراد مجرد ، زوج ها، افراد مزدوجی که جدا زندگی می کنند و سران خانوارهایی که هنوز ازدواج نکرده اند؛ وجود دارد. این دسته آخر بطور مبسوطی مربوط به والدین مجرد است. دراین کتاب ما بر جدول مالیاتی شخصی مربوط به افراد مجرد و زوج های متاهل که با هم زندگی می کنند تمرکز می نماییم.

جدول 2.4

جدول های مالیات شخصی



نرخ

درامد

نرخ

در آمد

زوج های متاهل که بصورت مشترک پرکردند

افراد مجرد

در میان سالهای 2001 و 2003، کنگره نرخ های مالیات خصوصی را برای تحریک فعالیت های اقتصادی ایجاد کرد . قبل از سال 2001 نرخ بالا 39.6% بود. از سال 2003 نرخ های آن 35% است. نرخ ها برای سال 2006 در جدول 2.4 نشان داده شده اند. به علاوه، نرخ درآمد سود سهام بالای 15% است.

ما علاوه بر تغییرات نرخی که توصیف کردیم، جدول های مالیات شخصی هر ساله را برای جبران تاثیرات تورم تنظیم می کنیم. آنچه که بوسیله ایجاد نقاط شکست میان طبقه ها هر ساله بوسیله فاکتوری بوجود می آید که افزایش کلی را در قیمت ها در سراسر اقتصاد انعکاس می دهند.

ما جدول های نرخ 2006 را در جدول 2.4 برای اهداف توضیحی مورد استفاده قرار خواهیم داد ولی باید تشخیص دهید که جدول ها برای سال های بعدی تا اندازه ای متفاوت خواهند بود.

**درآمد مشمول مالیات**

آیتم های درآمد مانند دستمزدها، منافع و سودهای سهام هم مشمول مالیات هستند هم از مالیات معاف هستند. مهم ترین آیتم معافیت مالیاتی سهمی در اوراق بهادارشهری قرار دارد. اوراق بهادار شهری با قدرت های حکومتی پایین تر از سطح فدرال سرو کار دارند. اینها شامل ایالت ها، کشورها و شهرها می شود. توجه داشته باشید که سود متعلق به اوراق بهادار فدارل معاف از مالیات نبوده و مشمول مالیات است. درآمد مشمول مالیات همچنین می تواند یک استثنا نامیده شود.

درآمد مشمول مالیات شخصی بوسیله جمع همه درآمد مالیات دهنده محاسبه شود، به استثنای آیتم های معافیت مالیاتی و مقدارهای شناخته شده کاهش و معافیت ها شناخته شده اند.

**کاهش ها**

کاهش ها ، هزینه های شخصی هستند که کد مالیات به افراد اجازه کم کردن درآمد را قبل از محاسبه مالیاتشان می دهد. مهم ترین کاهش ها برای اکثر افراد وابسته به رهن یک خانه هستند، مالیات های خاص به دولت و قدرت های محلی پرداخت می شوند و به موسسات خیریه شناخته شده اهدا می شوند. اگر مالک پول زیادی را صرف این چیزها ننماید یک کاهش استاندارد بوجود می آید.

**معافیت ها از مالیات**

معافیت های شخصی و وابسته مقدارهای ثابتی هستند که برای هر فرد در مالکیت برای رسیدن به درآمد مشمول مالیات انجام می شوند. مقدار معافیت از مالیات هر ساله برای محاسبه تورم تغییر می کند. آن در سال 2006 به 3300 دلار رسید. حواستان باشد که معافیت شخصی را با درآمد معاف از مالیات اشتباه نگیرید، آن ها دو ایده متفاوت هستند.

**محاسبات سود سرمایه وسود سام**

اگر چه سودهای سرمایه و سود سهام بخشی از درآمد مشمول مالیات هستند، باید به صورت جداگانه ای با آنها برخورد شود به صورتی که آنها در نرخ های متفاوتی نسبت به درآمدهای دیگر مالیات گرفته می شوند. مثال زیر باید این ایده را روشن سازد:

مثال 2.1.خانواده اسمیت در سال 2006 دارای درآمد زیر بود:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| 55000 | جو | دستمزدها |
| 52000 | شو |  |
| 2000 |  | مربوط به محاسبه پس اندازها |
| 800 |  | مربوط به محاسبه ائراق بهادار IBM |
|  |  | مربوط به اوراق بهادار بوستون |
| 1200600 |  | سهام از موتورهای کلی |

در طول سال 2006 آنها یک دارایی سرمایه ای را به 50000 فروختند که سه سال قبل تر به 53000 خریداری شده اند. آنها همچنین برخی سهم های AT&T را به قیمت 14000 فروختند که پنج سال قبل 12000دلار به آن پرداخت شد. آنها 1200 سهم را در رهن خانه و 1800 دلار در مالیات های دارایی واقعی پرداخت کردند. مالیات درآمد دولتی 3500 دلاری از پرداخت های چک شان درطول سال پرداخت می شود. آنها 1200 را به کلیسا اعانه دادند. آنها دو کودک را در خانه نگه می دارند. فرض کنید که نرخ معافیت از مالیات 3300 دلار برای هر فرد باشد. درآمد مشمول مالیات شان و بدهی مالیاتی شان چیست؟ به علاوه، متوسط و حد نرخ های مالیاتی شان چیست؟

**راه حل:**

نخست درآمد عادی اسمیت را با حذف سهم اوراق بهادار بوستون (که معاف از مالیات است) و سئد سهام (که در نرخ خودشان به آنها مالیات تعلق می گیرد) محاسبه می کنیم

دستمزدها 107000 دلار

سهم ها 2800

109800 دلار

سپس سود یا زیان سرمایه خالص را محاسبه کنید:

زیان در دارایی سرمایه ای (3000) دلار

2000 سود سهم

زیان در سرمایه خالص

زیان سرمایه خالص کم تر از 3000 دلار است به صورتی که می تواند به صورت کلی برای حذف درآمد عادی مورد استفاده قرار گیرد. اگر اسمیت ها دارای یک سود سرمایه ای باشند انجام یک محاسبه جداگانه ضروری است.

درآمد عادی 109800

زیان سرمایه 1000

درآمد 108800

کاهش ها اینگونه هستند:

سهم رهن 12000 دلار

مالیات ها 5300

صدقه 1200

کاهش های کلی 18500

چون چهار شخص در مالکیت وجود دارند، کل معافیت از مالیات برابر است با:

3300×4=13200

اکنون می توانیم درآمد مشمول مالیات آنها را تعیین نماییم که شامل درآمد سود سهام است

درآمد 108800 دلار

کم تر:

کاهش ها (18500)

معافیت ها (13200)

درآمد مشمول مالیات 77100

بدهکاری مالیاتی اسمیت در این درآمد می تواند با استفاده از جدول مالیات ثبت ازدواج پیدا شود (جدول 2.4 را ببینید). آنها در طبقه مالیات 25% هستند به این صورت محاسبه می شوند:

10% کل طبقه نخست

15100×.10= 1510 $

15% از مقدار در طبقه دوم

./15=6930×((61300- 15100

25% از مقدار در طبقه سوم

.25= 3950×(77100$ -61300$

123930

مالیات بر روی درآمد عادی

سپس، مالیات بر سودهای سهام در 15% برابر است با 600$ ×.15= 90$

 12480 $

به صورتی که کل بدهکاری مالیات کلی اسمیت برابر با 12480 $ است.

میانیگن نرخ مالیات اسمیت برابر با کل بدهکاری مالیاتی تقسیم شده بر درآمد مشمول مالیات است که شامل سودهای سهام 77100+600=77700 است به صورتیی که میانگین نرخ برابر است با:

12480/77700=16.1%

نرخ حاشیه ای آنها آنچیزی است که برایافزایش درآمد پرداخت می شود. آن نرخ در طبقه اخیرش برابر با 25% است. اما توجه داشته باشید که به صورت واقعی دو نرخ حاشیه ای 25% وجود دارند ، اگر از سودهای سرمایه ای بیشتر از 1000 یا از سودهای سهام بدست آید.

**نرخ های مالیات و تصمیات سرمایه ای**

مشکل زمانی بوجود می آید که سرمایه گذار بخواهد میان یک اوراق بهادارشرکتی و اوراق بهادار شهری یکی را انتخاب نماید . هر دو نرخ های سهم را قرار داده اند ولی اوراق بهادار شهری معاف از مالیات است در حالی که اوراق بهادار شرکتی معاف از مالیات نیست. این بدان معنا است که سرمایه گذار همه سهم ها را در اوراق شهری نگاه می دارد ولی مجبور به برخی پرداخت های سهم در اوراق شرکتی به حکومت به شکل مالیات است.

اگر اوراق بهادار شرکتی و شهری سهم یکسانی داشته بشند و ریسک ها مشابه باشند اوراق بهادار شهری بهتر عمل می کنند. اما، اوراق بهادار شرکتی به خاطر مزایایشان اغلب به اندازه اوراق بهادار شهری یا اوراق بهادار حکومت فدارل سهم دارند.

سرمایه گذاران مجبور به مقایسه درجات ارائه شده بوسیله اوراق بهادار جبرانی بریک مبنای برابر هستند.

چون نرخ دولتی برروی اوراق بهادر، بعد از مالیات است درحالی که نرخ اوراق بهادار شرکتی قبل از مالیات است هر دو باید در اصطلاحات یکسانی دوباره بیان شوند. اغلب بیان دوباره اوراق بهادار شرکتی آسان تر است. برای انجام این کار، ما تنها 1 را منهای نرخ مالیات حاشیه ای سرمایه گذار می کنیم.

**مثال 2.2**

فرض کنید که به خانواده اسمیت در مثال قبلی یک انتخاب بین یک اوراق بهادار AT&H با پرداخت 11% و یک اوراق بهادار بوستون با پرداخت 9% ارائه می شود کدام بهتر است؟

راه حل: اوراق بهادار AT&T 11% را پرداخت می کنند ولی اسمیت ها تنها این مقدار را ارائه می دهند:

11%×(1-.25)=8.25%

آن قیمت پس-از مالیات آنها برای اوراق بهادار است و کم تر از 9% بوسیله بوستون ارائه می شود. بنابراین اوراق بهادار بوستون بهتر عمل می کند.

چه اتفاقی می افتد اگر نرخ مالیات حاشیه ای تنها 15% باشد؟ پس نرخ پس- از مالیات در اوراق بهادار at&t اینگونه خواهد بود:

11%×(1-.15)=9.35%

که جذاب تر از مالیات های شخصی است. درآمد کلی درآمد تجاری است. اما کاهش ها،هزینه هایی هستند که برای چرخش کمپانی لازم هستند. اینها اساسا هزینه بردار هستند و آیتم ها را برای صورت حساب های درآمدی هزینه می کنند . معافیت از مالیات برای شرکت ها وجود ندارد. سودهای آیتم خط صورت حساب درآمدی قبل از مالیات (EBT) یک درآمد مشمول مالیات شرکتی است. کالیات بوسیله ارائه آن شکل در جدول مالیات شرکت محاسبه می شود.

از آغاز این فصل به خاطر بیاورید که کمپانی ها دارای کتابچه هاب مالیاتی و مالی هستند که ممکن است تا اندازه ای متفاوت باشند (صفحات 35 و 36). بدهکاری مالیاتی واقعی از کاربرد جدول مالیات به EBT در هر کتاب مالیات می آید. در زمانی که ما جدول متفاوت را برای EBT برروی کتاب های مالی به کار می بریم یک بدهکاری مالیاتی گزارش شده را ارائه می دهیم. تفاوت از طریق یک حساب مالیاتی متفاوت برروی ترازنامه محاسبه می شود. ما نیاز زیادی به نگران شدن درباره آن تفاوت در اینجا نداریم، بیشتر از آنکه آگاه باشد از اینکه اغلب تفاوت وجوود داد. در مثال های مان فرض می کنیم که کتابچه های مالیاتی و مالی یکسان هستند.

جدول مالیات شرکت در جدول 2.5 نشان داده شده است. توجه داشته باشد که برخی از چیزهای متفاوت درباره جدول شرکت در مقایسه با جدول های شخصی وجود دارند.

به صورت آشکاری 8 طبقه به جای 6 طبقه وجود دارد ولی تفاوت بیشتری در الگوی نرخ ها وجود دارد. نرخ های شرکت به 39% افزایش و سپس به 34% کاهش پیدا می کند. سپس آنها به 38% قبل از کاهش به 35% کاهش می یابد. این الگو به نظر به همان اندازه مخالف با عقیده ما درباره سیستم مالیاتی پیشرفته ای است که در آن درآمد بالاتر به معنی یک نرخ حاشیه ای بالاتر است.

**جدول 2.5**

**جدول مالیات درآمد شرکت**

|  |  |
| --- | --- |
| نرخ (به درصد) | درآمد به دلار |
|  |  |

ایده اساسی سیستم اخیر ساده است ولی به کارگیری آنها در جدول ویژه ای نتیجه می دهد. در اصل سه هدف اساسی وجود دارد:

1. یک سیستم پیشرفته دارای درآمد پایین تر از 10 میلیون دلار مالیات مشمول 34% و درآمد بالای مقدار مالیات مشمول 35%.
2. در نتیجه نرخ های پایین تر بر درآمد به 75000 دلار می رسند.
3. مالیات دهندگان دارای درآمد بالا نرخ های هدفمند را در کل درآمدهایشان پرداخت می کنند.

دو هدف نخست در یک سیستم پیشرفته سنتی آسان هستند. سومین هدف است که این پریشانی را ایجاد می کند.

به خاطر داشته باشید که در یک سیستم پیشرفته سنتی ، یک مالیات دهنده دارای درآمد بالا منافع را از نرخ های مالیات پایین تر در طبقه های پایین بدون توجه به این که چه مقدار از کل درآمد بدست آمده است از بین می رود . سیستم اخیر برای به دست آوردن آن مزایا طراحی شده است به صورتی که آن ها یک نرخ ثابت را در همه درامدهایشان پرداخت می کنند.

این دو گام را اجرا می کند. نخست، سود طبقه های 15% و 25% بوسیله ارائه یک مالیات 5% بیشتر بر درآمد بین 100000 و 33500 از بین برود برای ایجاد مقدار بوسیله نرخ مالیاتی که در درآمد بالای 75000 دلار پایین 34% است. مالیات مازاد به عنوان جریمه مالیاتی نامیده می شود.

بعد، منفعت یک مالیات 34% بر درآمد بالای 10 میلیون دلاری با 3% اضافه مالیات میان 15 میلیون دلار و 18333333 از بین می رود. فراتر از آن همه درآمدها در یک سطح 35% مالیات به آن ها تعلق می گیرد.

بدهکاری مالیاتی را برای یک BT ایجاد شرکتی 28000 دلاری محاسبه کنید.

راه حل: نتایج جدول مالیات شرکت را در بدهکاری مالیاتی زیر محاسبه کنید.

|  |
| --- |
|  سرمایه گذاری عملیسیستم مالیات در ایالات متحده دارای دو هدف است. نخستین هدف ایجادپول است. ولی حکومت همچنین از سیستم برای تخریک آن چه که رفتار مطلوب را در نظر می گیرد استفاده می کند. برخی اوقات این اهداف مطلوب اقتصادی و برخی اوقات اجتماعی هستند. مثال های چندی وجود دارد.مالیات های پایین تر بر روی سودهای سرمایه و سودهای سهام ، سرماه گذاری سودمندتری را بوجود می آورند به صورتی که افراد سهم های بیشتری را خریداری می کنند.اینکه دارایی های دردسترس بیشتری را برای سرمایه گذاری تجاری ایجاد می کنند به صورتی که کمپانی ها پروژه های جدید را برعهده می گیرند. که در مقابل مشاغل را به وجود آورده و اقتصاد را توسعه می دهد.شرکت های نوع –S و LLCS اجازه می دهند که تجارت های کوچک دوبار از پرداخت مالیات فرار کنند در حالی که در منافع دیگر شکل شرکتی سهیم هستند. که باعث ترغیب شکل گیری کمپانی های جدیدی می شود که مشاغل را به وجود آورده و اقتصاد را توسعه می دهد. کمپانی ها اعتبارهای مالیاتی را برای به کار گیری نیرو و آموزش انواع خاص افراد دشوار برای به کارگیری و غیر ماهر ارائه می دهند.کارت های اعتباری برای پرداخت پول برای اعاده و حفظ ساختارهای تاریخی خاص دردسترس هستند. |

مثال 2.4

دیون مالیاتی را برای EBT ایجاد شرکت 500000 دلاری محاسبه نمایید.

راه حل: این مسئله آسان است چون بین 335000 و 10 میلیون دلار نرخ مالیات کلی تنها 34% است.

500000$×.34=170000$

مثال 2.5 بدهی مالیاتی را برای یک ایجاد شرکت EBT شانزده میلیون دلاری محاسبه کنید.

راه حل: ما مجبور نیستیم که از طریق محاسبات تا طبقات زیر برویم چون می دانیم که سیستم منافع را برای یک نرخ 34% بالای 10 میلیون دوباره به دست می آورد.

$$\frac{\begin{array}{c}10000000 × .34=3400000\$\\5000000 × .35=1750000\\1000000 × .38=380000\end{array}}{5530000}$$

**مالیات ها و تامین مالی**

سیستم مالیات ایالات متحده مطابق با تامین مالی ار طریق وام تجاری در زمینه تامین مالی دارایی است. دلیل آن است که پرداخت های سود ایجاد شده برای سرمایه گذاران بدهکار کاهش مالیات برای پرداخت کمپانی هستند درحالی که پرداخت های سود سهام ایجاد شده برای سرمایه گذاران ازطریق دارایی اینگونه نیستند.

برای توضیح این نکته، دو کمپانی را فرض نمایید که یکسان هستند به جز اینکه یکی به صورت کلی بوسیله وام[[3]](#footnote-4) و یکی به صورت کلی بوسیله دارایی تامین مالی شده اند. فرض کنید که پرداخت ها برای سرمایه گذار بدهکار و سرمایه گذاران دارای دارایی یکسان هستند (بگویید 20 دلار) هر دو شرکت دارای BTF 120 دلار هستند و نرخ مالیات 30% یکسان است .

برای دیدن نکته، ما مجبور به فراتر رفتن از سودها پس از مالیت (EAT) برای مقدار خالص بدست آمده بوسیله هر شرکت پس از پرداخت سرمایه گذارایشان هستیم. ما مجبور به کاهش سودهای سهام از EAT برای وارد شدن علاوه بر سودهای حفظ شده هستیم.

مقایسه در زیر آمده است.

شرکت تامین مالی شده بوسیله

تساوی حقوقی قرض



کسر
بهره
EBT
مالیات @ 30٪
EAT
سود سهام
مجموع RE خالص

توجه داشته باشید که در این مورد شرکت تامین مالی شده از طریق وام برای حفظ 6$ پول بیشتر ارائه می دهد (درحدود 10% در این نمونه). تفاوت در خط مالیات است. شرکت تامین مالی شده از طریق وام پرداخت را به سرمایه گذارانش قبل از محاسبه مالیات ها کاهش می دهد درحالی که تجارت تامین مالی شده از طریق دارایی مجبور به پرداخت مالیات در یک مقداری است که بوسیله پرداخت سودسهام کاهش نیافته است.

**پرداخت سودهای سهام به شرکت ها**

در فصل 1 گفتیم که زیان های مالی کلی شکل شرکت پرداخت دوبرابر مالیات سودها است. نخست سودها به عنوان سودهای شرکت مشمول مالیات می شوند و سپس دوباره به عنوان درآمد شخصی در زمانی که به صاحبان سهام به شکل سودهای سهام داده می شوند مشمول مالیات می شوند.

ولی چه اتفاقی می افتد اگر یک شرکت مالک شرکت دیگری باشد بوسیله افراد مالکیت می شود؟ در آن شرایط ما پرداخت مالیات سه گانه را پیش بینی می کنیم. برای دیدن این، شکل 2.2 را در نظر بگیرید که در آن شرکت B بوسیله شرکت Aمالکیت می شودکه خودش توسط افراد مالکیت می شود.

شکل 2.2- **پرداخت مالیات چندگانه**



مالیات شخصی

سود سهام A به سهامداران

سود سهام

مالیات بر شرکت A

مالیات بر شرکت B

ذینفعان و سهامداران

شرکت A

شرکت B

دیدن اینکه یک دلار به دست آمده بوسیله شرکت B به عنوان درآمد برای B مشمول مالیات می شود آسان است، به عنوان درآمد سود سهام برای A و به عنوان درآمد سود سهام برای سهام داران. اگر B بوسیله شرکت C مالکیت شود، سودهای آن هدفی برای پرداخت مالیات چهارگانه است.

حکومت پرداخت مالیات دوگانه را در نظر دارد و نه پرداخت مالیات سه گانه و فراتر از آن را. بنابراین کاهش جزیی را بوسیله معافیت از مالیات اکثر سودهای سهام پرداخت شده بوسیله یک شرکت به شرکت دیگر از پرداخت مالیاتی به عنوان درآمد برای دریافت کمپانی ارائه می دهد.

درصد معاف شده بستگی به مقدار سهم B دارد که مالک آن A است.

|  |  |
| --- | --- |
| بخشودگی از مالیات | مالکیت  |
| 70% | 20% |
| 80% | 20%-80% |
| 100% | 80% |

در توضیح ما، این بدان معنا است که اگر A مالک 30% از B باشد و B یک سود سهام 100$ را به Aپرداخت کند ، A تنها 20 دلار را به عنوان درآمد در آماده سازی مالیات هایش آماده می سازد. باقی هشتاد دلار از مالیات معاف خواهد بود.

**فقدان مالیات روبه عقب و روبه جلو**

فرض کنید که در طول یک دوره چهارساله یک تجارت دارا سه سال خوب و یک سال ضرر اساسی بوده است. ما هر سال در نظر می گیریم ، سودهای آن قبل از مالیات، مالیات و سودها را پس از مالیات ممکن است آنگونه که در بالای شکل 2.3 نشان داده شده است باشد ( ما یک سطح ملیات 30% را برای ارائه مثال ساده ارائه می دهیم).

شکل 2.3



مالیات

تنظیم

مالیات

سال

آن در اولین نگاه منطقی به نظر می آید. کمپانی مالیات ها را در زمانی که دارای درآمد است پرداخت می کند و نه در زمانی که درامد ندارد. اما، مالک صنعت ممکن است به صورت بسیار خوبی ادعا کند که IRS باعث می شود که او از تجارت دور شود اگر سیستم مالیاتی ماننداین کار کند.

موسس اشاره به کل ستون دارد و ادعا می کند که در طول کل دوره چهار ساله، دولت در تلاش برای ایجاد پرداخت تجاری 90 دلاری در مالیات در 50 دلار از سودها قبل از مالیات است. این تنها ناعادلانه نیست بلکه غیر ممکن است.

با تشخیص این مشکل، سیستم مالیات اجازه وسیع شدن زیان را در 3 سال در میان سالهای قبل و بعد می دهد. در این مورد، 100 دلار از زیان 3 سال برای هر 1 سال و 2 سال جبران می شود.

پس از سال ضرر، کمپانی بازگشت های مالیاتی را برای سال های 1 و 2 به صورت تنبیهی جبران می کند و بازپرداخت های پرداخت مالیات ها را دریافت می کند. باقی مانده 50 دلار زیان سه سال می تواند به سمت جلو برای سال کاهش 4 EBT برود. ایده به صورت طرحواره ای در شکل 2.3 نشان داده شده است.

زیان ها می تواند به سمت عقب به 2 سال و به سمت جلو تا 20 سال برگردند.

سوالات

1-چرا انجام یک تامین مالی حرفه ای خارج از حسابداری نیاز به دانش اصول و روش های حسابداری دارد؟

2- درباره هدف یک سیستم حسابداری و صورت حساب های مالی در اصلاحات مسیری بحث کنید که سیستم تجارت را ارائه می دهد.

3- EBITچرا یک آیتم مهم در صورت حساب درآمد است؟EBIT چه چیزی را به ما نشان می دهد؟

1. منظور از نقدینگی در صورت حساب های مالی چیست؟
2. صورت حساب های اشتباه معمول شکل های ترازنامه ای کدام ها هستندو چرا آنها یک مسئله را ارائه می دهند؟
3. دارایی های اخیر و بدهی های اخیر را با نگاه کردن سریع به توانایی شرکت ها برای براورده نمودن تعهدات مالی (پرداخت صورت حساب های مالی) در روی اصطلاحان نزدیک تعریف کنید؟ (اشاره: در مورد اصلاحات نرخ ها فکر کنید).
4. چگونه سرمایه کاری و سرمایه از هم متفاوت هستند؟
5. نسبت بدهی به دارایی چیست و چگونه عمل می کند؟ نگرانی اصلی درباره استفاده از آن چیست؟
6. اصطلاح پایه مالیات را تعریف و درباره مبناهای عادی بحث کنید وبر چه واحدهای حکومتی مالیات تعلق می گیرد؟ این مالیات ها معمولا چه نوع مالیاتی نامیده می شوند؟

10 – نرخ مالیات اثربخش کلی چیست؟

11-درآمد مشمول مالیات برای یک فرد چیست؟ آن چگونه از درآمد مشمول مالیات برای یک شرکت متفاوت است؟

12- چه نرخ مالیاتی برای تصمیمات سرمایه گذاری دارای اهمیت است؟ چرا؟

13-چرا رفتار مالیاتی سودهای سرمایه یک مسئله مالی مهم است؟

14-آیا جدول مالیات شرکت پیشرفته است؟اگر هست چرا وا گر نیست چرا؟

15-معانی ضمنی مالیات متعلق به سرمایه گذاری مالی با وام در مقابل دارایی چیستند؟ اگر سرمایه گذاری مالی با وام بهتر است، چرا هر کسی کلا از طریق وام سرمایه گذاری نمی کند؟

17- مبنایمنطق زیان مالیاتی رو به جلو وعقب را توضیح دهید.

مسائل و مشکلات

1. کمپانی جانسون یک واگن را با قیمت 24000 دلار دو ونیم سال قبل خریداری کرد. عمر پیش بینی شده واگن در زمان خرید چهارسال بود. آن به وسیله استفاده از استهلاک دارای ارزش کالای بازیافتی صفر فروخته شد. دیروز واگن به قیمت 19000 دلار فروخته شد چه سود مشمول مالیاتی باید درباره فروش واگن گزارش شود؟
2. اگرمسئله 1 کمپانی جانسون هدفی برای یک نرخ حاشیه ای 34% باشد چه جریان پول نقدی با فروش واگن استفاده شده همراه است؟
3. کمپانی هیلد و سوینسون یک دستگاه پرس دریل را به قیمت 850000 دلار یک سال و نه ماه قبل خریداری کردند. سرمایه دارای یک حیات شش ساله بود که بر طبق جدول زیر استهلاک پیدا کرده است.

|  |  |
| --- | --- |
| درصد هزینه | سال |
|  |  |

دستگاه پرس به قیمت 475000 دلار فروخته شد. نرخ مالیات حاشیه ای 35% است.

سود مشمول مالیات اسونسون و هیلد و جریان پول نقد را در فروش محاسبه کنید. فرض کنید که استهلاک در هر سال بیشتر می شود.

4-فرد گاون شرکت خرده فروشی گاون را به عنوان یک مالکیت فروش باز کردد و انتقال های زیر را در طول نخستین ماه تجاری شان انجام دادند:

1. 50000 از دارایی های ثابت را خریداری کردند، 10 % را پرداخت کرده و بقیه را قرض گرفتند.
2. 1000 واحد از محصول را با میانگین قیمت 45 دلار در هر کدام فروختند. نصف فروش به صورت اعتباری بود ، که هیچ کدام از آنها در پایان ماه جمع آوری نشد.
3. قیمت ثبت شده ی ابزار فروخته شده 21000 به فروش های بالا مربوط بود.
4. ارزش 30000 دفتر دارایی خریداری شد و پول نقد پرداخت شد.
5. دیگر هزینه های 5000 دلاری همگی به صورت نقد پرداخت شدند.
6. نرخ مالیات شرکت فرید برابر با 40% است (مالیات ها در یک دوره متوالی پرداخت خواهند شد).

الف- گزارش تجاری به عنوان درآمد خالص برای ماه نخست تجارت آن چه خواهد بود؟

ب- جریانات پول نقد را در داخل و بیرون تجارت در طول ماه لیست کنیدو جریانها را به عنوان جریانهای مثبت و منفی نشان دهید (با استفاده از پرانتزها). برای رسیدن به یک شکل "جریان پول نقد خالص" جمع کنید.

ج- آیا شرکت فرید باید توجه بیشتری به درآمد خالص یا جریان پول نقد داشته باشد؟ چرا؟

1. کراپ مک فرید ترازهای زیر را در ترازنامه 20X2، 31 دسامبر گزارش داد:

مقدارها به صورت هزار هستند

|  |  |
| --- | --- |
| 60 دلار | حساب های قابل پرداخت |
| 120 دلار | حساب های قابل دریافت |
| 350 دلار | استهلاک متراکم |
| 900 دلار | دارایی های ثابت(خالص) |
| ا150 | لیست موجودی |
| 400 | بدهی طولانی مدت |
| 160 | پرداخت مازاد |
| 380 | سودهای حفظ شده |
| 1240 | دارایی های کلی |
| 500 | بدهی های کلی |

 همه حساب های باقی مانده در زیر لیست شده اندو تراز را در هر کدام محاسبه کنید.

|  |  |
| --- | --- |
| کل دارایی های جاری | جمع  |
| کل بدهی های جاری | پول نقد |
| کل دارایی | سهم عادی |
|  | دارایی های ثابت |

6-به صورت فردی و گروهی حساب های دارایی اخیر را درنظر بگیرید (پول نقد، حساب های قابل دریافت و لیست موجودی). این انتقال ها چه تاثیری بر هر کدام از حساب ها و دارایی های اخیر در کل خواهند داشت (کاهش، افزایش نه تغییر)؟

الف- خرید یک دارایی ثابت با پول نقد

ب- خرید یک دارایی ثابت از طریق کارت اعتباری

ج- خرید دارایی از طریق کارت اعتباری

د- خرید دارایی از طریق پول نقد

ر-پرداخت یک حساب قابل دریافت مشتری

ز- پاک کردن یک قرض بد مشتری

ژ- فروش یک دارایی ثابت (با سود) به صورت نقد

ص- فروش دارایی (با زیان) به صورت نقد

ض-فروش یک دارایی ( با سود) از طریق کارت اعتباری

7- شرکت کراپ میلر ، 20X2، در 1 ژانویه یک ماشین اردسازی را به قیمت 400000 خریداری کرد. ان در یک مبنای خط راست در طول 20 سال استهلاک پیدا خواهد کرد. میلر 20X2 در 1 ژانویه یک چرخ تراش سنگین را به قیمت 250000 دلار خریداری کرد که در یک خط مستقیم در طول 40 سال استهلاک می یابد.

الف- هزینه استهلاک میلر را برای 20X2, 20X3 و 20X4 محاسبه کنید.

ب- بخش دارایی ثابت ترازنامه (برای این دارایی ثابت) را در پایان 20X2, 20X3 و 20X4 آماده سازید.

8- صنایع بیچر دارای سه حامی برای مواد خامشان برای تولید هستند.

شرکت 180 میلیون را هر ساله برای کراپ جانسون خریداری می کند و به صورتت نرمال 30 روز را برای پرداخت این صورت حساب ها در نظر می کیرد.

شرکت بلوردر یک لیست حقوق سالانه 52 میلیونی دارند. شرکت به کارمندان هر دو هفته یک بار در بعد از ظهر جمعه پول می دهد. ماه قبل کتابچه ها پس از روز پرداخت به بسته شدنددر پایان ماه مجموع لیست حقوق چه مقدار است؟

10-شرکت فلزات ساندرسون . چهار ایتم دارایی را محاسبه می کند : لیست حقوق، استراحت کارمندانی، دارایی .

لیست حقوق : ساندرسون به کارمندانش در همه جمعه های دیگر برای کار انجام شده در طول آن روز پول می دهد. لیست حقوق سالانه 47 میلیون دلار است.

مالیات دارایی : شرکت به حکومت محلی 3.6 میلیون دلار را در هر سال در مالیات های دارایی در کارخانه و ساختمان های اداری پرداخت می کند. [[4]](#footnote-5)مالیات در دیون های معوق در 30 ژوئن در پایان سال مالی پرداخت می شود. شرکت یک دارایی را در هر ماه برای انعکاس این واقعیت افزایش می دهد

تعطیلات: کارمندان ساندرسون از سه هفته (15 روز کاری) تعطیلات در هر سال بهره مند میشوند، که در سرعت (15 ÷ 12 =) 1.25 روز در ماه کاری کسب میشود. هیچ تعطیلاتی نمی تواند در طی پایان سال به اجرا درآید، اما یک کارمند می تواند تعطیلات سال جاری را استفاده کند قبل از آن که واقعا حصول یابد. 250 روز کاری در هر سال وجود دارد.تعهدی تعطیلات نشان می دهد که پرداخت برای روزهای تعطیل اخذ شده اما استفاده نشده بر مسئولیت این شرکت می باشد.

بیشتر سیستم های حسابداری، علاوه بر نیروی انسانی، هزینه مخارج کلی کارخانه(ساختمان، تجهیزات، گرمایش، برق، نظارت و غیره) را هم به ارزش موجودی کالا می افزایند.

**اندوخته موجودی کالا**

موجودی کالا در ترازنامه مصرفی فرض می شود اما عمدتا مصرفی نیست. اتفاقاتی رخ داده که ارزش موجودی کالا را کمتر از مقداری آورده که شرکت برایش پرداخت کرده است. کالاها خسارت دیده، خراب می شوند، دزدیده شده (به آن نقصان می گویند) و منسوخ و بلااستفاده می شوند.

شرکت ها با بررسی و انتقال حساب های فیزیکی دوره ای، نقصان موجودی کالا را پیدا می کنند اما دیگر خسارت های وارده عمدتا مشخص نمی شوند تا زمانی که تصمیم به استفاده یا فروش از کالا بگیرند.

موجودی کالا ترازنامه ها معمولا اندوخته موجودی خالص عنوان شده تا میزان معمول و طبیعی از مواد مشکل دار هم درنظر گرفته شوند. اندوخته موجودی کالا از لحاظ مفهومی همانند اندوخته طلب غیرقابل وصول حساب های دریافتی(بدهکار) بشمار می رود. و بهمان ترتیب نیز هرماه اضافه می شود، که نقطه مقابلش هزینه است.

**حذف موجودی وصول نشدنی از دفتر(مستهلک کردن)**

اگر موجودی کالا، مفقود، خسارت دیده یا بلااستفاده شود، حساب موجودی کالا ترازنامه باید جهت نان دادن ضرر کاهش یابد. سمت دیگر ثبت ورودی که تراز موجودی کالا ثبت و بایگانی شده را تقلیل می دهد، معمولا اندوخته موجودی کالا را تنزل داده درنتیجه تاثیری روی تراز موجودی کالا خالص نخواهد داشت. هرچند اگر ضرر و زیان زیاد باشد، تقلیل باید مستقیما با حساب هزینه(مخارج) تسویه شود که موجب تقلیل در سود می شود.

**موجودی کالا اغراق شده**

معمولا مدیران درصددند تا از تنزل سودهای ثبت شده جلوگیری کنند. بنابراین، هرگونه توجیه عقلانی را براحتی پذیرفته مبنی بر اینکه موجودی کالا ارزش اصلی و اولیه اش را حفظ می کند. همین امر موجب ایجاد اغراق و غلو در تراز موجودی کالا می شود.

**اغراق ها**

اغراق وصولی ها(حساب های دریافتنی) و موجودی های کالا مسئله قابل توجه و مهمی برای کاربران صورتحساب های مالی (گزارشات مالی) بشمار آمده که ارزش یک شرکت را نشان می دهند. ارزش شرکت بسته به میزان اغراق در دارایی ها، کمتر از آن چیزی می شود که باید بشود. ضمن آنکه اغراق ها به این معنی نیز بوده که شرکت مدیریت موثر و کارآمدی ندارد. هردو احتمال مزبور از جمله دغدغه های مهم در ارزش گذاری اوراق بهادار شرکت محسوب می شوند.

**دارایی های جاری**

سه داری نخست در ترازنامه را دارایی های جاری می نامیم. منظور از عبارت «جاری» یعنی انتظار می رود که اقلام مربوطه در روال عادی و معمول کسب و کار طی یکسال به وجه نقد تبدیل شوند. کسب و کارهای پیچیده تر، اقلام جاری دیگری معدودی دارند که در قیاس با این اقلام از اهمیت کمتری برخوردارند. مفهوم جاری اهمیت بسزایی در تجزیه و تحلیل مالی داشته از آن لحاظ که به توانایی یک شرکت در انجام تعهداتش در کوتاه مدت مربوط می گردد. تمام پولی که کسب و کار از عملیات عادی و معمول دریافت می کند(وصول) از طریق حساب دارایی جاری به گردش در می آید. به بیان دیگر، پولی که امروز جزو دارایی های جاری نباشد، مدت زمان زیادی طول کشیده تا وصول شود اما پولی که در حال حاضر جزو دارایی های جاری باشد، خیلی زود به وجه نقد تبدیل می شود.

**دارایی های ثابت**

اقلام با طول عمر طولانی تر زیر بخش جاری ترازنامه می آیند. هرچند که موارد زیادی در این دسته قرار می گیرند اما معمولا فقره اصلی آن دارایی های ثابت بوده که به آن مایملک، تاسیسات و تجهیزات(PPE) نیز می گویند.

14. شرکت گلاویتس در زمینه تجارت دردوشنبه، اول ژوئن باموجودی5000 $و$ 7000پول نقد دربانک افتتاح شداینهاتنهاموجودی اش بودند. تمام مراحل تاسیس (شروع فعالیت)ازبودجه شخصی مالک فراهم شده بود،ودیگر هیچ بدهی وجودنداشت.شرکت دارای یک خط اعتباری در بانک می باشد که آن رادر قرض گرفتن 20000$ بانوشتن چک بی محل ازحسابش توانا می سازد.

شرایط فروش گلاویتس خالص 30 است،اماشرکت جدیدمی بایست سودتامین(تهیه)کنندگان خودرادر طی روز10 پرداخت کند.

کارمندان تنهاهزینه ی شرکت هستند. به آنها هر هفته در پایان غروب هر جمعه مجموعاً 1000$ پرداخت می شود.

درسوم ژوئن،شرکت فروش(حراج) 9000$ خارج از موجودی با هزینه 3000$ انجام داد.در 10 ژوئن،شرکت موجودی جدید 2000 $ را دریافت کرد. دیگر هیچ فروش یا دریافت موجودی در کار نبود. شرکت یک کامیون حمل و نقل باپرداخت چک $ 6000 درماه30 ژوئن خریداری کرد. حساب هابرای ماه درسه شنبه،30 ژوئن بسته شدند.

شرکت گلاویتس یک صورت درآمدوترازنامه رابااستفاده ازکاربرگی مشخص برای ماه ژوئن آماده کرده ومالیاتها را برای این مشکل صرف نظر کرده است. اول،شروع ترازنامه را وارد می کند،بعد،یک عدد دودفعه در هر ستون جهت انعکاس معامله مشخص شده در بالای ستون را وارد می کند.توجه کنیدکه گاه یاوقات اعداد اضافی خواهند شدوگاهی اوقا ت هم کم خواهندبود. نهایتاً،درمیان صفحه جهت دریافت اظهارات برای ماه ژوئن اضافه کنید:

ستون کاربرگ

 1. افتتاح ترازنامه

2. رکورد فروش

3. رکورد هزینه فروش

4. دریافت موجودی

5. پرداخت برای موجودی

6. فروش کامیون

7. پرداخت به کارکنان -4 هفته اول

8. پرداخت به کارکنان – 2 روز آخر

9. طبقه بندی مجدد اضافه برداشت پول نقد به عنوان وام

0. درآمد خالص رکورد به عنوان درآمد

 و حقوق صاحبان سهام

1. (جست و خیز)

2. اظهارات ژوئن ردیف کاربرگ

1. ترازنامه
2. دارایی
3. . نقدی
4. حساب های دریافتنی
5. پرسشنامه
6. دارایی های ثابت (خالص)
7. . مجموع دارایی
8. از قلم افتادگی
9. بدهی ها
10. حساب های قابل پرداخت
11. اقلام تعهدی
12. بدهی
13. سهام
14. مجموع بدهی و تجهیزات
15. از قلم افتادگی
16. بیانیه ی درآمد
17. فروش
18. هزینه
19. برآمد
20. درآمد خالص

15. شرکت پذیرایی نعنا، سود خالص 170.000 $ وسهام پرداختی 0.25$ هر سهم در 100000$ سهامش ازسرمایه برجسته درسال2006 دارد. درپایان سال ترازنامه اش سود انباشته تا250000دلار را نشان داده است. تراز سود انباشته نعنا درپایان سال 2005 چه خواهد بود؟

16. . کمپانی پرستون رُود . زمانی سازمان یافت که سال پیش , که موسسان آن 9 میلیون دلار کمک مالی و سرمایه گذاری کرده و ارزش سهام 3 میلیون سهام را به 1.25 دلار رساندند . کمپانی در سال اولش 750000 دلار بدست آورد و مقدار 325000 دلار سود سهام آن بود . بخش "حقوق صاحبان سهام" بعنوان ترازنامه شرکت پرستون رُود در آخر آن سال میباشد .

17. کمپانی سیستم های دیجیتالی ( Digital Systems ) 2 سال قبل برای بهره جستن از یک فرصت اینترنتی سازمان یافت. سرمایه گذاران 12 دلار سهم برای مجموع 2 میلیون دلار سهام , هر کدام با ارزش سهامی 4 دلار پرداخت کردند. در دو سال آینده کمپانی بترتیب 2 تا 3 میلیون دلار سود داشت . در آن سالها کمپانی به سرمایه گذاران به ترتیب 1.2 و 1.3 میلیون دلار پرداخت کرد. در پایان سال اول کمپانی دیجیتال 500000 سهام با ارزش هر سهم 14 دلار فروخت . قسمت حقوق سهامداران در مربوط به اوایل و اواخر اولین سال و دومین سال کاری شرکت می باشد.

18. خانواده Coolidge درآمد مشمول مالیاتی در حدود 165000 دلار داشت. آنها در شهری زندگی می کنند که درآمد بالای 100000 دلار مالیات 11 درصدی را شامل می شود. مجموع نرخ مالیات موثر آن ها چقدر بود ؟

19. از جدول مالیات زیر برای درآمدهای مشمول مالیات استفاده کنید :

|  |  |
| --- | --- |
| میزان مالیات | دسته  |
| 15% | 0~10000$ |
| 25% | 10000$~50000$ |
| 30% | 50000$~250000$ |
| 35% | بالای 250000$ |

میانگین نرخ مالیات را برای درآمد های مشمول مالیات زیر محاسبه کنید:

الف)20000$

ب)125000$

ج)350000$

د)1000000$

20. Joan Petros درآمد مشمول مالیات 150000 دلار را در 20X2 گزارش داد که شامل تراکنش های زیر بود :

1) در ژوئن 20X2, Joan 100 سهم از سهام را بقیمت 40 دلار برای هر سهم فروخت. او 3 ماه قبل برای هر سهم 35 دلار پرداخت کرده بود.

2) در اکتبر 20X2, Joan 200 سهم از سهام را بقیمت 79 دلار برای هر سهم فروخت. او 3 ماه قبل برای هر سهم 61 دلار پرداخت کرده بود.

اگر مالیات سود سرمایه های دراز مدت 15 % و درآمد عادی 25 % باشد , بدهی مالیاتی Joan چقدر خواهد بود ؟

21. درآمد خانواده Lindscomb در سال 2006 بصورت زیر بود:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| دستمزدها | Mark | 63500$ |
|  | Ashely | 57900$ |

سود سرمایه گذاری ها:

|  |  |
| --- | --- |
| اوراق IBM | 4750$ |
| اوراق New York City | 1400 |
| حساب پس اندازها | 2600 |

خانواده پرداخت هایی برای وام مسکن با بهره 16480 دلار انجام دادند, و مالیات 4320 دلار برای املاک خود پرداختند. آنان همچنین 5860 دلار مالیات بر درآمد و 1250 دلار به موسسات خیریه شناخته شده پرداختند . خانواده 3 فرزند خوانده دارند.

الف ) درآمد قانونی و مشمول مالیات خانواده را مخاسبه کنید.

ب ) بدهی مالیاتی را با در نظر گرفتن اینکه پرونده آن ها بصورت یک زوج زن و شوهری تشکیل شده باشد ؟ ( مشترک )

ج ) میانگین و مرز نرخ مالیاتی آنان چقدر است ؟

22) خانواده بنجامین در سال 2006 , 85000 دلار دستمزد داشت. آنان سود 45000 دلار از اوراق قرضه شرکتی و 1500 دلار از اوراق ایالتی دریافت کردند. سود درآمدی آنها 500 دلار بود و سود سرمایه گذاری بلند مدت آنان از فروش تجهیزات امنیتی 1000 دلار بود.

آن ها 1450 دلار برای مالیات املاک , 3000 دلار مالیات بر درآمد پرداخت کرند و 550 دلار به کلیسا کمک کردند . آنان بهره 8000 دلار برای وام مسکن خود پرداخت کردند . بدهکاری مالیاتی آنان در سال 2006 چقدر بود ؟

23 ) Joan و Harry Leahy هر دو در سال 2006 درآمد داشتند. Harry 52500 دلار مزد بدست آورد . Joan یک شغل کوچک شرکتی داشت که به او 30000 دلار دستمزد داد . بعلاوه شرکت 15000 دلار سود داشت که بعنوان سود سهام به Leahys پرداخت شد . به آنها 5600 دلار سود از پس انداز 350 دلار سود از قرض به برادر Harryیعنی ازLou رسید . همچنین Lou 2000 دلار قرض اش را در طی آن سال پرداخت نمود. این زوج 2 درآمد از سود به ترتیب 20000 دلار از اوراق 20 سال شرکت IBM و 2700 دلار از اوراق قرارداد املاکی میشیگان داشتند.

آنها مقداری از موجودی های ( سهام ) شرکت Biotech را به قیمت 14000 دلار که 5 سال پیش به قیمت 4000 دلار خریداری شده بود را فروختند. دو سال پیش به پیشنهاد یک بنگاه معاملاتی املاک 50000 دلار بر روی زمین هایی سرمایه گذاری کردند. آن زمین را در سال 2006 به قیمت 46000 دلار فروختند.

خانواده Leahy 12500 دلار برای وام 9000 دلاری پرداخت کردند و بخش عمده آن کاهش یافت . آنها مالیات املاک را که 2750 دلار و مالیات ایالتی درآمد که امسال 6800 دلار می باشد را پرداختند. این خانواده 1500 دلار به کلیسا و 3000 دلار به مادر Joan کمک کردند. آن ها 2 کودک دارند . ( مادر Joan " مادر خوانده " نیست ) .

الف ) درآمد مشول بر مالیات خانواده را محاسبه کنید.

ب ) بدهکاری مالیاتی خانواده در سال 2006 چقدر می باشد ؟

ج ) میانگین مالیات آنها چقدر است ؟

د ) نرخ مرزی ( حدی ) مالیاتی آنها چقدر است ؟ آیا امکان دارد نرخ مرزی مالیاتی آنها بیش از یک مورد باشد ؟ توضیح دهید

24) مالیات در درآمد های شرکتی زیر را قبل از مالیات ( EBT ) در مقدار های زیر محاسبه کنید:

الف ) 37000$

ب)57000$

ج)88500$

د)110000$

ه)5375000$

و)14000000$

خ)17350000$

س) 23500000

25) کمپانی Michrochip سود ها و ضررهای زیر را در سال های ذکر شده داشت.

|  |  |
| --- | --- |
| 5000000$ | 2004 |
| 350000 | 2005 |
| (3450000) | 2006 |

چه مقدار مالیات اتحادیه ای ( فدرالی ) در سال 2004 باید پرداخت شود ؟ مالیات شرکتی در صفحه 48 برای تمام سه سال یکسان می باشد.

26. کمپانی Inky گزارش مالی زیر را در سال 2006 ارائه کرد.

|  |  |
| --- | --- |
| درآمد عملیاتی ( EBT ) | 650000$ |
| سود | 430000$ |
| ســود دریافتی از شرکت Printers. در درآمد عملیاتی محاسبه نشـــده است ( Inky 3 درصد از Printers را صاحب می باشد ) | 20000$ |
| سود سهامی پرداخت شده به سهامداران شرکت Inky  | 50000$ |

27. شرکت Synder درآمد و مصارف زیر را داشت.

|  |  |
| --- | --- |
| فروش ها | 189870000$ |
| هزینه ها | 110450000$ |
| مصارف | 65560000$ |

همپنین هردو سود سهامی و بهره را از شرکت Bevins دریافت نمود , این شرکت صاحب 30 درصد از شرکت Bevins میباشد. سود دریافتی از شرکت Bevins 2430000 دلار و سهام 4700000 بود.

28. Dick Dowern سه به فرصت سرمایه گذاری فکر میکند.

1) یک اوراق 4.5% از شهر شیکاگو که معاف از مالیات فدرالی ولی مشمول به مالیات ایالتی میباشد.

2)یک اوراق 4.75% از ایالت Illinois که معاف از مالیات فدرالی ولی مشمول به مالیات ایالتی میباشد.

3) یک اوراق شراکتی از کمپانی MacDonald که مشمول مالیات ایالتی و فدرالی میباشد (نکته : از TETR استفاده کنید )

اگرنرخ مالیات Illinios 6% و مالیات حدی ( مرزی ) فدرالی Dick 30 % باشد , کدام سرمیاه گذاری بیشترین بازگشت بعد از اعمال مالیات را دارد ؟

مشکل اینترنتی

29. کمپانی های بزرگ اغلب در ابتدا بصورت شرکت های کوچک تاسیس میشوند و هردو مشکلات و مسائل مشابه ای دارند. به وبسایت <http://www.sba.gov> که یک مدیریت کوچک شغلی میباشد سر بزنید. شما میتوانید اطلاعاتی در مورد ترازنامه های مالی , اظهارنامه های درآمدی و دیگر مسائلی که در این بخش بحث شده , پیدا کنید. این وبسایت شامل لینک هایی به وبسایت های پرکاربرد دیگر مانند ابزار لازم برای شرکت های کوچک , موارد مرتبط با امور مالی و مالیات دارد.

سیستم درآمد داخلی ( Internal revenue System) حاوی اطلاعاتی در ارتباط با مالیات کسب و کار می باشد و نکات مالیاتی و روش های مقابله با مشکلات هزینه دار, تاثیر زمانبندی , راهنمایی های اقتصادی , قوانین و راهکارها و اطلاعات مفید در ارتباط با کسب و کارهای کوچک پیشنهاد میکند.

در انتها از وبسایت Census Bureau : <http://www.census.gov/epcd/> بازدید فرمایید.

یک مشکل جالب و مهم در هر وبسایت یافته و تمامی آن ها را بر روی یک کاغذ جمع بندی کنید.

**مشکلات کامپیوتر**

30. Rachel و Harry برای ازدواج آماده میشوند.هردو در شغل خود موفق می باشند. درآمد آن ها در این سال به شرح زیر می باشد :

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
|  | Rachel | Harry |
| درآمد | 155380$ | 146200$ |
| درآمد از سود ( مشمول بر مالیات ) | 6750$ | 45325$ |
| سود / ضرر سرمایه گذاری بلند مدت | 5798$\_\_\_\_\_\_ | \_\_\_\_\_\_ |
| مجموع درآمد | 167928$ | 191525$ |
| ارقام کسر شده | 28763$ | 15271$ |

الف) از برنامه PERSTAX برای محاسبه کل فیش مالیاتی آن ها در حالت مجردی استفاده کنید و تعیین کنید که برای ازدواج چقدر مالیات باید پرداخت کنند . هزینه ازدواج دربرگیرنده مجموع درآمد یک سال این زوج در نظر بگیرید. بدون در نظر گرفتن نرخ مالیات ایالتی ( در حل مسئله دخیل نیست )

ب) Duncan و Angela نیز قصد ازدواج دارند اما دستمزدشان به مراتبط کمتر و به شرح زیر می باشد:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
|  | Duncan | Angela |
| دستمزد | 56450$ | 37829$ |
| ارقام کسر شده | 6048$ | 3224$ |

هزینه ازدواجشان چقدر خواهد بود ؟

31. شما توسط سازمان Utopia برای محاسبات و تبدیلات کامپیوتری مالیات استخدام شده اید. سیستم مالیاتی این شرکت شامل دو بخش می باشد که قابل اعمال بر روی تمامی موارد می باشند. این دو بخش بدین صورت می باشند:

|  |  |
| --- | --- |
| نرخ ( میزان ) | درآمد |
| 20% | زیر 30000$ |
| 30% | بالای 30000$ |

موارد معافیت های شخصی و درمانی مشابه سیستم ایالات متحده میباشد اما مقدار هزینه برای معافیت 2550 دلار تعیین شده است. خدمات خاصی به سهام داران , زیان ها و یا سود ها در نظر گرفته نشده است.

یک برنامه گسترده و کلی برای محاسبه یک کارمند شرکت Utopia بنویسید.

 برنامه خورد را با شرایط زیر تست کنید.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| درآمد | 28950$  | 96250$ |
| تعداد افراد | 1 | 5 |
| کسر | 2800 | 14457 |

از برنامه خود با محاسبه دستی مالیات شرکت Utopian مطمئن شوید. ( نکته : از یک دستور شرطی [if] برای مشخص کردن اینکه مالیت دهنده در جزو کدام دسته ( جدول مسئله) است, استفاده نمایید )

1. ما فرض میکنیم که در پایان عمر آن، دارایی مقدار صفر زائد را خواهد داشت. اگر مقدار زائد مثبت فرض شود، ما تنها تفاوت بین قیمت اصلی و آن ارزش را مستهلک خواهیم نمود. در غیر این صورت این روش همانگونه خواهد بود. [↑](#footnote-ref-2)
2. مصوبات در سال 2001 و 2003 حداکثر نرخ رامرحله به مرحله از 39.6٪ به 35٪ کاهش میدهد [↑](#footnote-ref-3)
3. در واقع، مقداری برابری همیشه مورد نیاز است. ما فقط تصور تامین مالی کل را به خاطر توضیح به تصور میکشیم. [↑](#footnote-ref-4)
4. \* لایحه پرداخت مالیات بر دارایی در عقب افتادگی به دلیل پایان دوره ایست که در طی آن خسارت وارده است.مسئولیت برای این لایحه، با این حال، از داشتن اموال با گذشت زمان می آید. از این رو، به عنوان هر ماه سال مالیاتی که پیش می رود، این شرکت مسئولیت مالیات بر دارایی را را تا 1/12 این لایحه سالانه را افزایش میدهدتا زمانی که در پایان سال مالی پرداخت می شود.
\*\* سال مالی یک سال سازمانی برای مقاصد حسابداری است. بسیاری از شرکت ها و اغلب واحدهای دولتی سال مالی را بکار میگیرند که با سال تقویم منطبق نیست. کتابچه های ساندرسون بر اساس سال تقویمی حفظ می شود. [↑](#footnote-ref-5)